

طهاسب پایتخت را بقزوین انتقال داد ولی این شهر اخیر توانست مانند یکی از مراکز مهم صنعتی شود.

البته شکی نیست که همکاری نقاشان و نساجان در بزد و کاشان موجب بوجود آمدن پارچه هائی شده که در فن نساجی شاهکاری بشمار میروند و چنین مینمایند که کارخانهای نساجی شهر بزد با دستور و نظارت دولت کار میکرده است و از این کارخانه ها نمونه های بسیار عالی و جالب توجهی امروز در دارالاسرار العربیه موجود است که نقوش تزیینی آنها را نصاب آدمی تشکیل میدهد.

از نساجان و پارچه بافان قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) ایرانیان بعضیها را می شناسیم و آثار صنعتی که دارند نامشانرا برای ما یادگار گذارده است و این اشخاص عبارتند از : غیاث و عبداللّه و حسین و یحیی و معزالدين بن غیاث و ابان محمد که نام آنها در مجموعه از پارچه ها که فعلا در بعضی از موزه های شخصی آثار زیبای روپ و امریک است دیده میشود :

اما غیاث الدین از اهلی بزد بود (۱) و در خاندانی پرورش یافت که با فن و صنعت رابطه محکمی داشت زیرا جدش یکی از خطاطان معروف و د خود غیاث هم در اثر ثروت و دارائی که داشت موفق شد جزء دربارین شاه عباس در آید و از نوقت در یافتن منسوجات مصور شهرتی تحسین کرد و بعدی به چاهای یافت او مورد توجه بود که شاه از آبه ری سیر در شاهین و مراد هدایتی او فرستاد گرچه مکان است کسی بر شخص بزاد شده امروز پیش اهدت

قطعه از منسوجات او در دست نیست که میان آنها دو پارچه ابریشمی و دودیگر
مضمحل است ولی پارچه های دیگری نیز هست که با آنکه نام او را ندارد باز ترجیح
داده میشود که از بافت و صنعت او باشد (۱) بهرحال در تصاویر پارچه های غیاث
سبک و اسلوب نقاشی رضا عباس نمایان است و موضوعهای تزیینی از قبیل گل و غنچه
و فروع نباتات متصل (ارابسک) و گل لوتس و برگها و بادزنهای نخلی (پالمت) خیلی
کاملتر و دقیقتر است.

اما عبدالله دارای استادی غیاث الدین نبود و چهار قطعه پارچه ای که ا.رضا
و اسم او را دارد نیز گواهی نمی دهد که از استادان و بافندگان درجه اول باشد
علاوه بر این در فن خود مبتکر نیز نبوده است و فقط در نساجی روش و اسلوب
فنی صنعتگران تبریز را پیش گرفته و از آن پیروی نموده است.

اما از حسین جز چند قطعه کوچک که در موزه متروپولیتان شهر نیویورک
است و روی آنها جمله (عمل حسین سنه ۱۰۰۸) دیده میشود نمونه دیگری
نمی شناسیم [۲]

واضح است که اسلوب و سبک رضا عباس در تصویر اشخاص در حالانی
که تنبلی و فروتنی و مغنشی از آنها نمایان بود در نقش و نگار قماشهای کران
قیمت قرن یازدهم هجری [هفدهم میلادی] تأثیر بسیار مهمی داشته است (۳)

البته نباید فراموش کرد که موضوعات تزیینی منسوجات مورد بحث از
حیث تنوع در حجم تزیینات و در مظهر کلی و رنگهایی که در آنها بکار میرود
اختلاف کلی با هم داشته است، اما روش طراحی و تزیین خیلی بدیع و محکم بود
و اشکال مختلف آن شدربیع از پی هم قرار میگرفت بقسمی که
بیننده می توانست نسبت بادوری و نزدیکی پارچه اقسام مختلف
اشکال و تزیینات بدیع و زیبای آن را از نظر بگذراند مثلاً در صورت
تزدیک بودن از تزیینات دقیق و ظریف آن لذت برده و آنها را تحت نظر می آورد

(۱) A Survey of Persian Art ۱۹۱۱-۲۱۰۶

۴۵ Dimand: Mohammedan. Decorative Arts ص ۲۱۷ هکل ۱۳۴

۴۵ به تابلو شماره ۱۱۴ هکل ۱۳۷ رجوع شود

اگر دور باشد منظره مناطقی که این اشکال و تزیینات در آنها قرار گرفته است او را مجذوب می‌سازد و اگر در تر باشد بطوریکه قادر به تشخیص تفصیل آن نشود منظره کلی و جمال و زیبایی آن مجموعه توجهش را جلب می‌نماید و بهترین نمونه و مثالی برای این ؟ قطار قطعه دیپلماتی مشهوری است که در سال ۱۹۲۹ بدست آمده که بارنگهای بدیع و اشکال دقیق و زمینه‌ای که به مناطقی تقسیم شده و بعضی از آنها از ستاره‌های هشت پرنگین دار و بعضی از همان ستاره‌های بدون نگین تشکیل یافته ستاره می‌باشد در ستاره وسط ترسیم پادشاهی است که بر تخت نشسته و در سایر ستاره‌ها اشکال فرشتگانی است که بعضی بسازندگی مشغولند و بعضی دیگر حامل هدایا و تحفی هستند اما در مناطق کوچک اشکال حیوانات متعدد حقیقی و افسانه‌ای دیده میشود مناطق کوچکتری نیز هست که محتوی بیش از نود نوع از پرندگان مختلف است که با اسلوب طبیعی بسیار دقیق و حالات متنوعی کشیده شده اند.

منسوجات ایران در دوره صفوی تنها دارای رسوم آدمی نبود بلکه بعضی از آنها فقط با رسوم نباتات تزیین میشده و این امر در تصاویر کتب خطی راجع قرن دهم (شازدهم میلادی) خیلی دیده شده است.

با تمام این تفصیل باید گفت بهترین پارچه‌هایی که ایرانین بوجود آورده اند مخملی است که اشکال آن خیلی با مهارت و استادی تهیه شده و بارنگهای زیبا که دایم تکامل فنی است رنگ آمیزی گردیده و مهمترین مرکز بافت این نوع مخمل در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری (اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی) شهر کاشان بود و مخملهای این شهر از حیث خوبی رنگ و نقش و نگار که خیلی شباهت به تصاویر کتب خطی دارد ممتاز شده است چون شاه عباس کبیر که یکی از بزرگترین مشوقین و حامیان و هنر

و هنرمندان ایران بود بیادشاهی رسید (۹۸۵-۱۰۳۸ هـ برابر ۱۵۸۷-۱۶۲۸ م) توجه خاصی به دیبا و مخمل های گرانبها نمود و در بیشتر شهر های ایران و خصوصاً اصفهان کارخانه هائی برای بافتن این نوع قماش تأسیس نمود بنابراین پیشرفت محسوسی در نساجی حاصل شد و پارچه های این دوره یکنوع امتیازی را دارا گردید و چون نخواهیم از آن امتیاز سخن برانیم باید بگوئیم عموماً منسوجات دوره شاه عباس در بکار بردن رنگهای ملایم و تصاویری که خیلی شبیه بحال طبیعی و واقعی است ممتاز بوده است.

ثروت ایران نیز در دوره شاه عباس کبیر زیاد شده و مردم اقبال زیادی به بمصرف کردن پارچه های قیمتی و نفیس کرده اند و بدیهی است که بر اثر آن محصول کارخانه ها افزایش میافت و بهمان اندازه از خوبی نوع پارچه و زیبایی نقش و نگار آن کاسته میشود.

ولی در پارچه هائی که برای دربار و رجال دولت بافته میشد این نقص نبود و هیچگاه از زیبایی و استحکام پارچه ها کاسته نمیشد.

اما مهمترین موضوعات تزئینی این قماشها در اواخر قرن دهم [شانزدهم میلادی] و اوایل قرن یازدهم هجری عبارت از تصاویر اشخاصی بوده که با تکلفات و تصفات زیادی کشیده میشده و از جوانان و دوشیزکائی سرو قد و ماهر و تشکیل می یافته ولی این تصویر بعدی جنبه زنانگی داده میشد که تفاوت گذاودن بین زن و مرد خیلی دشوار بوده و اشکال این دختران و پسران نه تنها در تصاویر کتب خطی و پارچه ها دیده میشد بلکه در روی دیوارها و آجرهای کاشی نیز مشاهده می گردید.

خوشبختانه نام بعضی از نساجان قرن یازدهم هجری (هفدهم میلادی) بما رسیده و آنها را می شناسیم و مهمترین آنها عبارتند از: محمد خان و علی و

اسمعیل کاشانی و معین که همه از شهر کاشان هستند (۱) و آقا محمود و مغیث که اصفهانی‌اند (۲) و در این شهر یکنفر دیگر را که در کشیدن گلها و پرندگان ممتاز بود نیز می‌شناسیم و او شفیع عباسی نقاش است که در دوره سلطنت شاه عباس دوم نقاش دربار صفوی بوده است.

از همه چیزهایی که کارخانه های ایران در قرن یازدهم و دوازدهم هجری (هفدهم و هیجدهم میلادی) بوجود آورده است حمایل و کمر بند های ابریشمی بلندی است که موضوعات تزیین آنها عبارت از حاشیه های افقی است که دو طرف آنها منطقه پهن تری قرار گرفته و در آنها تزییناتی است که با اشکال نباتات تزیین شده (شکل ۱۳۲) و امتیاز این نوع کمر بندها این است که نساچان جنوب شرقی لهستان در قرن هیجدهم میلادی (دوازدهم هجری) از آنها تقلید کرده اند (۳) و اما وسیله ورود این قماش بآن کشور بازرگانان ارمنی بوده اند که مقدار زیادی از آنرا از ایران بآن کشور برده اند و بعدی مرغوب و مطلوب شده که خود نساچان لهستانی از آن تقلید کرده و نظیرش را بافته و همان موضوعهای تزیینی را که عبارت از حواشی و اشکال هندسی و گل و بته بود در آن نگار برده اند اما طولی نکشید که از مقدار ورود این کالا کاسته شد و آنچه در محل بافته میشد بر کمر بند هایی که از ایران با استانبول وارد میگردد فروخته یافت.

یکی از اقامتگاهها که شهر بزد بافت آن معروف مشهور شده مخمل عنابی سیر است که در خانه ها بجای جانماز نگار میرفته و موضوع تزیین آن عبارت از چند عدد گلهای بزرگ ساقه بلند زرد طلائی، بعضی از رنگهای سبز بود و در موزه ویکتوریا و البرت لندن يك قطعه پارچه ز آثار صنعتی شهر پرد موجود است

(۱) "A survey" of persian Art ج ۴ ص ۲۱۲۱-۲۱۲۲

(۲) ص ۳۱۳۹-۳۱۴۱ از همان مصدر

(۳) ۱۳۰۲، مؤلف ک. ک. ۳۰ مواز آثار و آثار ایران در ۱۹۰۲، ص ۱۱۰، شاه ر ۹

ک. ر. - ل. ۱۹۳۹، نشر شده مراجعه شود

که موضوع تزیینی آن عبارت از بادزنهای نخلی و شاخه نباتات گلدار است و مدعی هستند یکی از دو پارچه است که سفیر شاه عباس کبیر در سال ۱۶۰۰ م بعنوان هدیه برای دوک شهر وینز آ آورده است شکل (۱۳۰)

در آن دوره در اصفهان که پایتخت شاه عباس کبیر بوده هزاران بافنده بکار مشغول بودند و تصاویر زیادی از قماشهای گرانبها را که برای خلعت تهیه میشده و مورد احتیاج در بار بود و با جهت هدایائی که شاه بسایر سلاطین و امراء میداد لازم بود تهیه مینمودند، و بنا بر این که این شهر پایتخت کشور بود از وجود نقاشان که با بافندگان همکاری میکردند برای زیبایی منسوجات استفاده مهمی شده است، در اینکه شهر اصفهان انواع و اقسام پارچه های نفیس و گرانبها را بوجود آورده است هیچ شکی نیست و گذشته از این محقق است بافندگان این شهر مخصوصاً در بافتن پارچه هائی که با موضوعات نباتی تزیین میشده است مهارت و امانتداری خاصی داشته اند.

در باره شهر کاشان نیز میتوان گفت که در این دوره فعالیت فنی آن متوجه خرف سازی نبوده بلکه از قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) یکی از مراکز بزرگ بافندگی شده است ولی مخملپائی که در قرن یازدهم هجری در کارگاههای این شهر بافته میشده و بمقادیر خیلی زیادی رسیده است تا حدی از خوبی و استحکام نوع پارچه کاشته است.

از بعضی نمونه ها که بدست آمده است ثابت میشود که در این دوره شهر مشهد نیز یکی از مراکز بافتن پارچه های عالی و قیمتی بوده است و فعلاً پارچه ای در دست است که از کتیبه ای که دارد ثابت میشود از آثار بافندگی این شهر است این قطعه نام بافنده خود (محمد بن ع ر) و سال بافت (۱۰۶۵ ه برابر

۱۶۵۴ م.) (۱) را نیز دارد. علاوه بر این نمونه تامی از منسوجات شهر مشهد در آثارهای قدیم گمرکی روسیه نیز آمده است؛ خلاصه آنکه صنعت نساجی و بافندگی در دوره سلسله صفوی رونق و پیشرفت شگفت آوری داشته و بافندگان توانسته اند از ابریشم انواع و اقسام پارچه‌ها را که در وزن و نازکی و ستبری مختلف بود بیافند و گاهی نیز در تبار و بود آنها رشته‌هایی از سیم و زر داخل میکردند و باین ترتیب برزیبائی و نلایق پارچه افزوده میشده است.

در قرن دوازدهم هجری:

محصول صنعتی بافندگی در اوایل قرن دوازدهم هجری (هجدهم میلادی) خیلی زیاد و مهم بود و ای مشکلات اقتصادی پس از دست رفتن افعالیها (اراصهان) کشور را فرا گرفت و مردم پارچه‌های ارزان قیمت و خصوصاً قلمکار که در قرن یازدهم هجری در شهر کاشان یافته میشد و بعداً صنعت آن در هندوستان و شهر اصفهان رواج یافته است قبح شد و در قرن گذشته بای اوضاع و احوال شده است که اراضهان و همدان و زرد ناز و با حمل می شده است. بهر حال صنعت بافندگی رو با انحطاط گذرد و حوضی حسس مود اولیه و رنگبائی که در این صنعت بکار میرفت نیز رفته رفته یست شده است و ر حسس ظاهر مراکز مهم صنعتی پس دوره شهرهای یزد و دکن و اصفهان و شهرهای شرقی ایران بوده است.

در وجود این در برد یکسوع پارچه ابریشمی منزی که شکل آن در گل و درخت بود فته میشد بافندگان شهر دکن بر آن حدی دفتن چه مقرر که تصویر آدمی داشت موفقیتی دست داده بد اولی ها کمر آن چه در صدها



قلابدوزی:

در اینجا نباید از ذکر قلابدوزی که از قدیم در ایران معروف و مرسوم بوده است غفلت نمود، و ناصر خسرو جهانگرد معروف ایرانی (۱) (در سفرنامه خود) اشاره بخیبانی در اصفهان نموده که بنام قلابدوزان یا مطرزکاران معروف شده است و مارگو پولو جهانگرد ونیزی نیز از مهارت و ظریف کاری زنان شهر کرمان و قلابدوزی کردن پارچه های ابریشمی با اشکال پرندگان و حیوانات و درخت و گل و بته شرحی نوشته است، و بعضی از جهانگردان اروپا در قرن نهم و یازدهم هجری (یازدهم و هفدهم میلادی) نمونه هایی از پارچه های قلابدوزی ایران دیده است که از روی آنها کاملاً کشفته ناصر خسرو و مارگو پولو تأیید میشود علاوه بر این بعضی از نمونه های این پارچه های قلابدوزی شده باقی است و بیشتر آنها راجع بدو قرن پیش است و مهمترین انواع قلابدوزی پارچه های نخی است که زنان آنها را با ابریشم قلابدوزی کرده و با گل و بته زیبا و سایر انواع نباتات آنها را زینت داده و از آنها برای خود شلوار و زیرجامه تهیه می کردند، اما مصادر تاریخی و ادبی از دوره سلجوقی بعد نام پارچه های قلابدوزی و قلابدوزی را نامبرده است ولی مایارچه هایی که قبل از دوره صفوی از روی دقت و مراعات اصول ترین قلابدوزی شده باشد ندیده ایم فقط معروف و مشهور است که در دوره تیموری بقلابدوزی چادرها و پرچمها توجه زیادی میشده است.

از نمونه هایی که دلالت بر رائج و معمول بودن صنعت قلابدوزی در دوره صفوی

۲۹۵ حکیم ناصر خسرو یکی از شعراء ازرك و دانشمندان قرن ۵۳۲ هجری از هجرت ایران بوده و اقرار معلوم پیرو مذهب اسماعیلی و یکی از حجج بوده است و مسافرتی که کرده بقصد زیارت خانه کعبه و رفتن بدربار خلفای فاطمی مصر بوده است سفرنامه و دیوان اشعار و کتاب زادالمسافرین او بیچاپ رسیده و معروف است

میکنند و رونق و پیشرفت آنرا مبرساند قطعه ایست در موزه تطبیقی فنون و صنایع شهر بوداپست که از آثار قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) است و در روی آن منظره مجلس میهمانی است که در هوای آزاد ترتیب داده شده و در حدود ۴۰ نفر در آن شرکت دارند و دارای تصویر امیری است که در صدر مجلس است این قطعه را حاشیه ای فرا گرفته که در آن تصویر فرشتگان بهاداری قلابدوزی شده است (بشکل ۱۳۴ رجوع شود)

فلز سازی:

صنعتگران ایران قبل از اسلام در ساختن انواع فلزات مهارت داشته اند و آثار نفیسی ساخته اند و این مقام را در بین صنعت بعد از آلمانه ایران جزء کشور اسلامی شد از دست نداده اند. بن قتیبه همدانی در قرن سوم هجری (۹م میلادی) شرحی در مهارت و آشنایی ایران در ساختن آلات و دوات فلزی داشته میگوید (ایرانیان در ساختن آلات و دوات صاف و زیب از آهن نفوذ و سستی شده بن تقدیری دارند و بعضی از حکماء که بعضی از اشیاء مخرب فری ساحت را را در عصر پادشاهان دیده اند میگویند خداوند عالم آهن را برای این ملت در دو جزیره آید آورد تا آنچه خواستند از آن ساختند و این ملت استادترین و درازترین ملل هستند به ساختن غل و قفل و آئینه و ساختن شمشیر و زره و جوش (۱)

هرگز آثار فلزی دوزخ ساسانی را ملاحظه کنید تصدیق بیده به آن قوت و عظمت آنها در آثار صنعتی سایر ملل کمتر دیده میشود و بهترین گنجینه در موزه ایران و طبقاتی زیرین و سینه من بر جسته است که در دست رسیده و بیشتر آنها در قسمت جنوب روسیه و شمال ایران است و در بلاد ایران و در شهر

لین گراد است

در صدر اسلام

بدیهی است که از فلز ساز مسلمان نباید مانند فلز سازان غرب منتظر مجسمه سازی بود زیرا در فنون غرب مجسمه سازی یکی اصول فنی است و صنعتگران آنرا از روش و اسلوب فنی یونانی و رومی وارث برده اند. و همیشه هیکل انسانی در نظر آنها زیبا ترین و سایل اظهار مهارت فنی و بزرگترین مظاهر آن بوده است.

فعلا دو نوع از این آثار فلزی در دست است که میتوان آنها را حلقه اتصال بین روشهای ساسانی و ایران بعد از اسلام دانست زیرا بعضی از این دو نوع از آثار صنعتی در قرن پنجم و ششم میلادی و راجع بدوره ساسانی است در صورتیکه نوع دوم راجع بادوار اولیه اسلام و با قرن اول و دوم هجری (هفتم و هشتم میلادی) میشود و این دو نوع آثار عبارت هستند از مجموعه ای از ابریه های برونزی و مجموعه ای از آثار نفیس و زیبای فلزی که بشکل حیوانات و پرندگان ساخته شده اند. اما ابریه ها دارای اشکال مختلفی هستند و غالباً دارای دسته بلند و لوله مرآزی میباشند و گاهی این ابریه ها دارای تصاویر انسانی و حیوانی هستند که در منادق محدود و معین قرار گرفته اما غالباً تزئینات قسمتی که راجع بقبل از اسلام است خیلی ساده میباشد آن قسمت که در دوره اسلامی ساخته شده است نیز تا حد زیادی روشهای فنی ساسانی را از دست نداده فقط تا حدی دقت و ظریف کاری در آنها بکار رفته است مثلاً در عوض اینکه لوله در دهانه ابریق باشد ببدنه وصل شده و در بعضی از آنها لوله را بشکل حیوان یا پرند ای ساخته اند. علاوه بر این موضوعهای تزئینی در ابریه های دوره اسلامی خیلی دقیقتر و کوچکتر و زیباتر است.

در دارالآثار العربیه شهر قاهره ابریقی از برونز هست که در کارشهای شهر ابوصیر واقع در مصر وسطی در آنجا که مروان بن محمد آخرین خلفای اموی کشته شد بدست آمده است بدنه این ابریق کروی شکل است و تزئینات آن

این بخوردانها و با ظروف مجسمه‌ای (۱) ظروف مسی و نرغزی دوره فاطمی را که بشکل حیوانات و پرنندگان ساخته میشد و همچنین یکسوم ظرفی را که اروپائیان در قرون وسطی از شرق اخذ کرده اند بیاد ما می‌آورد. این ظرف را اروپائیان از مس زرد بشکل سوار و یا حیوان و یا پرنده‌ای می‌ساختند تا مردان دین آنرا در جشنهای مذهبی کلیسا استعمال کنند و آنرا «اکو اماتیل» می‌نامیدند (۲).

گذشته از این پس از آن اشکال و مجسمه حیوانی در آثار نفیس دیگری از قبیل شمعدانها و ابریهائی که منسوب بقرن ششم هجری دوازدهم میلادی است بکار آمده اند و شاید هم بعضی از آنها قدیمتر از قرن ششم باشد زیرا شکل و تزیین آنها خیلی قریب العهد بسبك و روش ساسانی بنظر می‌آید.

از جمله آثار نفیس فلزی که منسوب بقرن ششم بعد از اسلام ایران و عراق است آینه های پروزی است که شبیه آینه های چینی است و روی آنها تزیینات برجسته‌ای از شاخه های نباتی است که از هر طرف رسم ابوالهول آنها را فرا گرفته و دور این مجموعه را يك حاشیه ای از خط کوفی فرا گرفته است و در بعضی از آنها اشکال آدمی و حیوانی است که از آنها مهارت و ذوق قریحه صنعتگر نمایان است قسمت بسیاری از این آینه‌ها از بر و نزو یا فلزات محکم دیگری ساخته میشد و بعضی از آنها دسته دار و بعضی دیگر حلقه هائی داشت که به دکمه‌ای که در وسط سطح تزیین شده در می‌آمد متصل میشد (شکل ۱۴۴)

علاوه بر این ایران در آن دوره ها بخوردانهای مختلف الشكل

۱- ایرانیان در ساختن این بخوردانها موفقیت زیادی یافته اند و صنعتگران و فلزکاران انواع مختلف آنها را با اشکال گوناگون، گاه بر رسی و گاه کوچک و گاه استوانه‌ای شکل و با مکعب و مستطیل و سر باز و یا سر پوشیده می‌ساختند و گاه سر پوش های آنها شبیه ای مانند بوده
E. kühnel : islamische , Räuchergerät در مجموعه موزه برلین
واوت و سپتامبر سال ۱۹۰۰ ص ۲۴۶-۲۴۹ . (Berliner , Mus een ' Berichte: aus
(A. surVey, ob'persian ' Art) undent: preussischenskunstammlungen' xLI, Jahrgang, Heft ۲)
ج ۳ ص ۲۴۸ و ۳۰۵ و ۳۰۶

۲- کتاب «کنوز العاشق» تألیف دکتر زکی محمد حسن ص ۲۴۳-۲۴۸ رجوع شود

بسیار ساخته اند که بعضی بشکل حیوانات کوچک بوده است (۱) و بعضی قانوها و هاونها و قدحهایی با اشکال ظریف و زیبا نیز ساخته اند (۲)

بیشتر این آثار فلزی ایران که فعلا در دست است و راجع بدو قرن سوم تا ششم هجری (هم تا دوازدهم میلادی) است در خراسان و همدان و ری و سمرقند بدست آمده است و بیشتر تزیینات آن اشکال حیوانات (۳) و شاخه های نبات و خطوط کوفی است که با کمال دقت و زیبایی قلمزنی شده است ولی رنگی که آنها را فرا گرفته است مانع از ظهور بسیاری بین تزیینات و جاهاهایی است که نقش و نگاری ندارد.

ولی باز بعضی از این آثار هست که زیبایی اولیه خود را از دست نداده اند و از جمله آنها چند عدد سینی است که در وسط هر يك از آنها موضوع تزیینی و موضوعات دیگری که در اطراف آن است به هیئت دوائر مشترك الحرف قلمزنی و کهنه شده است (شکل ۱۴۳)

دوره سلجوقی

فلزکاری در دوره سلجوقی همان ابهت و جلالی را داشت که از میزات آثار صنعتی و فلزکاری دوره ساسانی بوده و با ذوق و صیقلیت خود سلاجقه نیز وفق میداد اما باز خالی از آن دقت و ظرافت و زیبایی که تناسب جنبه اسلامی آنها و میل به تجدد در آداب فنون ایرانی است نیز نبود چنانکه از این دوره مقداری

(۱) علاوه بر بخوردانها و سایر ظروف اشکال و مجسمه های این حیوانات کوچک «ذاتی جنس های امراء و دین» های فلزی و فانوسها نیز بکار برده شده و مجسمه های کوچک آسانی بر بوده که انفرادی جمیع های فلزی با آنها تزیین میشد و به تزیین آنها این نوع مجسمه های کوچک هم نوع «دوره» است و تاریخ ساخت آن سال ۱۰۹۷ هـ است.

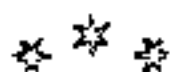
(۲) In the illustrated catalogue of the Exhibition of Persian Art London (1931)

ص ۴۰ رجوع شود

(۳) بعضی از این هاونها منظره روی و اشکال حیوان بدی داشته و مانند آن «خط حراری» رفع احتیاج مایل نبود بلکه پرندگان بر روی آنها و یا آن همگی بدی شکل است و در تصاویری که استعمال آن زینت شده تصور بر آنست که در «مستوف» آنها «شکل» نگاشته شده است.

از ظروف برنزی که دارای مظاهری قوی است برای مابقی ماده و همچنین مقداری ظروف دیگر از زروسیم هست که از حیث تزئین و اشکال دقیقی که در سطح ظاهریشان شده جلب دقت مینماید. مجموعه اولی مظهر تطوری است که دوره اسلامی بآن داده است و در مجموعه‌های خصوصی آثار نفیس و موزه‌های عمومی خصوصاً در مجموعه مستر رالف هراری آثار نفیس زیادی از این نوع موجود است که شامل عدسی‌زادی جام و عروسکها یا جعبه‌های کوچک و بخوردانها و ابریه‌ها و نقشها و سایر ادوات فلزی از قبیل برگ و زین اسب میباشد و تمام آنها مزین باشکال دقیقی از حیوانات و پرندگان است که در فنون و صنایع ایرانی بآنها آشنا هستیم؛ بعلاوه دارای خطوط بسیار زیبای کوفی و بعضی تصاویر انسانی نیز میباشد.

صنمگران فلزساز در ساختن این آثار نفیس انواع و اقسام روشهای صنعتی را بکار برده بعضی را با قلمزنی و برخی را برجسته‌ترین کرده اند و برخی دیگر رابطه زیادی با روش «نیلو» دارد؛ این معنی که اشکال را بر روی لوحه ای از نقره و یا نقره مزوج با طلا کرده و بعد در آن گودبها مزوجی از مس و سرب و بورق و گوگرد و نشادر که با آن حرارت مرتفعی داده شده است میریزند و پس از سرد شدن این ماده و صیقلی نمودن آن آنرا با ماده سیاه بارنگ دیگری مثبت میکردند و با این ترتیب اشکال و تزئینات خیلی واضحتر و روشن تر مینمود خصوصاً اگر این عمل روی زمینه دارای رنگ ازی میشده گذشته از این در بعضی از این آثار تزئینات برجسته و در بعضی دیگر تزئینات زونگار و یا مینائی بکار میرفته است.



۱. در روش تزئینی آثار نفیس فلزی يك سبب جدی در موصل و دیار دیگر
 و ایران بوجود آمده و در نیمه قرن ششم هجری به انتهای درجه دقت و کمال خود
 رسید و پس روش عمدتاً از طریق برور و مس و نشادر کردن آنها با طلا

نقره بود و معروف این است که تطبیق و با مرصع کردن و با ترکیب با درشان
یا نقره نشان کردن یکی از روشهای تزیینی بود که در آلات و ظروف فلزی بکار
میبرده اند و طریقه اش این بود که اشکال مطلوب را روی فلز یا چوبی که منظور تزیین
آن بود حفر میکردند و بعد آنجا را با فلز گرانبها تری پر میکردند تا بر این اشکال و
رسوم از آن فلز بر سطح آن اثر صنعتی ظاهر میگردد؛

اگر در نظر بگیریم که صنعتگران از شهری بشهری منتقل میشدند و غالباً
بین النهرین و ایران را يك سلسله دواره میکردند است خوراهیم دانست که تمیز دهن
بین آثار صنعتی فلزی مطبق سیم و زر ساخت ایران است و آنچه در مومس ساخته
شده است. مشکک است مگر اینکه نوشته ی که روی آست دلالت بر معدن ساخت
آن نماید و بر نوع آثار حیوانی است و در بعضی صنایع و معدن که در سنگواره
آثار است عبارت ز حیوانی مملو در شکای دقیقی است که بعضی از آن شکای
حیوانی و بعضی دیگر با خصوصیات بسیار زیبایی است زبان عربی و گاهی هم زبان فارسی
کتاب قدیمی است باعنوانه و نامهای عربی و فارسی و گاهی در این حوضی منظرهای
در شکار و صرمد و بهداشتی پر دیده میشود

بهترین نمونه از آثار فلزی صرافان است که در مجموعه موزونسنی (Museum)

است و فعلاً در موزه زمینیتهای بیگرد همیشه و در طی گذشته است که مرصع
در سال ۱۵۵۹ هـ (۱۱۶۳ م) در شهر هرات دست صنعتگری محمد بن عبد الواحد
م. ساخته شده و هر مددی دبیری صاحب موزه بن احمد خانی هراتی آن
مصنوق کرده است و چنین میباشد که صحت حرف در حساب فرموده یکی نخل
برای شهر زبدان و ده است که تزیینات بر آن نفیس با نقره و مس سرخ تطبق

شده (۱) و عبارات از حواشی اقصی است که در آنها مناظری از مجالس موسیقی و رقص و طرب و مجالس شراب و شکار و با خطوط کوفی و نسخ که قرائم معروف آنها منتهی بسره‌های انسانی و حیوانی میشود قرار گرفته است (شکل ۱۴۰) (۲)

قطعه‌های فلزی دیگر با امضائی هست که هم دلالت بر رونق و پیشرفت این صنعت در طرف مشرق ایران و مخصوصاً شهر هرات میکند (۳) ولی شهرهای دیگری مانند اصفهان و همدان و شیراز نیز در این صنعت مشهور شده‌اند.

مورخین فنون اسلامی ترجیح میدهند که سبک و روش صنایع فلزی موصل بعضی از روشها را از ایران گرفته باشد، اما بهر حال هنوز فرق و تفاوت بین این دوروش صنعتی کاملاً روشن نیست و سابقاً گفته شد که تمیز دادن میان آثار صنایع فلزی موصل و ایران خالی از اشکال نیست اما آنچه ثابت شده اینست که نام بعضی از صنعتگران که امضای آنها در آثار نفیس فلزی شهر موصل خوانده میشود: ایرانی بنظر می‌آید و همین امر موجب شده که احتمال دهیم بعضی از صنعتگران ایران بموصل و دیار بکر و بین‌النهرین مهاجرت کرده و این آثار نفیس فلزی را که از بهترین آثار فنون اسلامی است بوجود آورده‌اند و شاید این هنرمندان در اوایل قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) از برابر حملات مغولها فرار کرده و متوجه مغرب ایران شده و بعراق آمده اند چنانکه در نیمه همین قرن هنرمندان و صنعتگران عراق بهمان علت از آنجا مهاجرت کرده و بمصر و سوریه روی آورده‌اند معروف این است که تصاویر کتابهای خطی برای شناختن محل و زمان ساخت آثار نفیس فلزی خیلی موثر است ولی در این موضوع جز از کتبی که راجع بحوالی قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) است و قدیمترین کتابهای خطی

(۱) از طرفی آنها اثری است که از امضاءهای آن مینماید کسی که تزیینات آنرا کشیده یا کسی که در عمل تطبیق را بجا آورده است در نظر می‌ماند. A'survey 'of persian 'Art

(۲) ویل دورسکی veselovsky زبان روس. مقاله مفصلی راجع به این طرف داشته و مقاله نامبرده در سال ۱۹۱۰ در شهر سن پترزبورگ منتشر شده است.

(۳) A ,survey ,of persian Art ج ۴ ص ۲۴۹۰ - ۲۴۹۱

مصور راجع بآن است نمیتوان استفاده نمود.

اما نباید انکار نمود که بوسیله تصاویر کتب خطی بعضی از آثار نفیس فلزی را که نمونه‌ای از آنها بمانرسیده است میشناسیم مثلاً از جمله اشیائی که از این تصاویر شناخته شده به خوردانی است که در دو قرن نهم و دهم هجری (پانزدهم و شانزدهم میلادی) معمول بوده است (۱)

علاوه بر این آثار نفیس خزفی و سفالی که بمانرسیده است برای شناختن آثار فلزی کمک شایانی است، زیرا رابطه فنی و صنعتی خصوصاً از لحاظ اشکال و ترکیبات میان آنها خیلی قوی است مخصوصاً که بعضی از آثار خزفی و سفالی را میتوانستند برای همان مقصود که فلزات بکار میرفت بکار برند. فقط نباید فراموش کرد که نوع ماده‌ایکه اثری از آن ساخته میشده است تأثیر و مداخلیت زیادی در شکل و سایر ممیزات آن داشته است

البته معمول شدن و رونق گرفتن صنعت مصبوق کردن آثار فلزی موجب از بین رفتن روش تزیین با اشکال ساده و کهنه کاری شده است و بن روش اخیر همچنان معمول بود و از روی مجموعه بررگی از ظروف و ابریهائی که راجع به نیمه دوم قرن ششم و قرن هفتم هجری (نیمه دوم وین دوازدهم و قرن سیزدهم میلادی) است که مطبق نشده است ثابت میشود که آن روش همیشه در تصور بود و بسوی کمال میرفته است چنانکه همین مجموعه در عوض مصبوق با اشکال حیوانات و شاخه‌های نباتات و گلهای زیب و حضور کوفی بصرز بمصی از ظروف آنخوری یعنی با قلمزنی و با اشکال برجسته تزیین شده است (شکل ۱۴۵)



خبرآدر شهر ری شمعدنهای برنزی ریپائی کشف شده که با قاعده سه پایه و گردب سه‌وجهی شکل خود حبابی شبیه شمعدنهای دوره قاسمی است ولی

(۱) به ج ۳ شکل ۶۶ را از مصدر سابق‌الذکر و Martin Miniature painting نامند و اینها شماره ۳۵، ۲۴، ۲۷ رجوع شود

از حیث تزئینات و کنده کاری و با مشبك کاری و بلندی و سبکی وزن خیلی بهتر و ممتاز
تر از شمعدانهای منسوب بدوره قاطمی است. شکل ۱۵۲ و ۱۵۳

در دوره های مغولی و تیموری:

انقرض سلطنت عباسی در سال ۶۵۶ هـ (۱۲۵۵ م) موجب انتقال
صنعت فلز سازی از ایران و عراق به مصر و سوریه شده است و بالطبع در ایران دچار
رکود و فتوری گردیده است. اما دوره آن طولانی بوده و باز در دو قرن هشتم و نهم
هـ (چهاردهم و پانزدهم میلادی) بوسیله تیموریان رونق گرفته و این دفعه بسوی
تکامل نیز رفته و «اشکال و هیكل ظروف يك صرافت و ریسانی داده شده و در تزئین
آنها نیز نظوری حاصل گردیده و تصاویر آدمی خیلی دقیقتر شده و در لباس اشخاص
روشهای ایرانی نمایان گردیده است و از همه مهمتر آنکه در این دوره کتابتها
و خطوط پس از آنکه در ادوار گذشته کوفی و عربی بود ایرانی شده است
در قسمت شصت و شش شری بران و شاید در رمنستان در فن فلز سازی و ساختن
شمعدانهای کهنه کاری و مصبق به مس و نقره مکتبی بوجود آمده و
رونقی بخود گرفته است که پیشتر آن را منسوب بدو قرن ششم و هفتم هجری
(دوازدهم و سیزدهم میلادی) میشدند و بهترین شیء ساخته شده بن مکتب طرف
ترك ترك و شمعدانهای مجسمه داری است که عالی مجسمه تر و بد با راست و بهترین
و زیاده رین بن آثار نفیس شمعدانی است در مجموعه معتبر آثار هراری
(اشکال ۱۴۵)

در بعضی از شمعدانهای قنبری اسلامی بر بیسات و اشکال در جسته نمایش
داده شده است. بن فیدر است و یکی که در دوره از همیشه عیداشد این ظرف
که در جمع نثری سود بیچشم ۱۰۰ هـ (۱۶۰۰ میلادی) است دارای سه پایه شیبه به پرده

و تناسب اجزاء مورد توجه است این آثار نیز مانند سایر آثار صنعتی ایران ادوار پیش ناپسندیده و شهر و یا نام کسی که برای او ساخته شده ندارد و از این حیث کاملاً برعکس آثار صنعتی قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) است و شاید از بهترین نمونه های صنعتی قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) شمعدان مبطوق بنقره ای باشد که در مجموعه مستر رالف هراری است شکل (۱۵۵) این شمعدان دارای مثبت کاری و ترکیب سایر شمعدانهای است که در قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) در عالم اسلامی معروف بوده یعنی دارای شکل استوانه ای است که بر فراز آن گردن استوانه ای شکل کوچکی قرار دارد و اما تزیینات آن عبارت از دو اثر و تزیینات چهار نگینی و اشکال هندسی و گلپای متنوع است و روی آن کتیبه ایست که دلالت میکند این اثر نفیس در سال ۷۶۱ هـ [۱۳۶۰ م.] بدست یکنفر صنعتگر شیرازی موسوم به محمد بن رفیع الدین ساخته شده است -

از جمله این آثار ثبت ستاره ای سنگی است که مواد تزیینی آن کهنه کاری های است که بانقره و طلا مثبت شده و راجع بقرن هفتم یا هشتم هجری [سیزدهم یا چهاردهم میلادی] است و فعلاً در موزه متروپولیتان شهر نیویورک است (شکل ۱۵۶) اما اشکال و تصاویر آن عبارت از گلی است در وسط که خطوطی از آن تا کنار ظرف کشیده میشود و مناطقی مملو از تصاویر آدمی و فروع نباتی تشکیل میدهد .

از ملاحظه این آثار ثابت میشود که از قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) بین صنایع فلزی ایران و عراق تفاوت و اختلاف ظاهر میشود .

از اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری (یا نوزدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی) صنعت تطبیق صنایع فلزی در ایران تطوری بخود گرفته و مواد و اصول تزیینی عبارت از خطوط و اشکال هندسی مفصلی شده که روی زمینه های

شاخه های دقیق نباتی قراره بگرفت. اما حقیقت این است که از آثار فلزی که از اواخر دوره تیموری بما رسیده است آثار و علائم اضمحلال نمایانست و شاید اینطور نباشد و این آثار که در دست است مانند سایر آثاریکه از دوره های قبل و بعد است از نوع ممتاز و نمونه های کامل این آثار نفیس نباشد زیرا اگر بخواهیم این صنعت را نیز بسایر صنایع تیموری که خیلی راقی و کامل شده و رونق و پیشرفت سزا داشت مقایسه کنیم باید بگوئیم اینهم مانند آنها دوران ترقی و اوج میگرفته است (۱) خصوصاً که اسلحه سازی خیلی رایج بوده و اسلحه سازان انواع بسیار خوبی از آنها می ساختند پس ما این ترتیب قابل قبول نیست که گفته شود تنها سازندگان آثار نفیس فلزی از قبیل ظروف و غیره در صنعت خود به پستی گرائیده و صنعت آنها سوی اضمحلال رفته است

روش و سبک تطبیق با فلزات بوسیله صنعتگران ایرانی که مهاجرت کرده اند در شهر ونیز معمول گردیده و در آنجا رایج شده است و یکی از این صنعتگران محمود کرد است که در اوایل قرن دهم هجری (شزدهم میلادی) در آن شهر بوده است و ما گفتیم که مهاجرت صنعتگران در ادوار امری عادی بوده است و عده ای از آنها بر اثر همجواری بهندوستان نیز رفته اند (۲)

در دوره صفوی:

معروف این است که صنعت فلزکاری در دوره صفوی (۹۰۷-۱۱۶۸ م برابر ۱۵۰۲-۱۷۳۶ م) بهمان رونق و ترقی خود راقی مانده است و آثار فلزی که از این دوره باقی مانده کم است و از حیث توان روی آنها سطوح نموده در اصول تزئینی این صنعت حادث شده و آثار مانند سایر صنایع ایران دوره

۱- باید دانست مقدار زیادی از این آثار را که شکل و هیئت آنها غیر مطلوب باشد آن می گردند و از نو شکلی که منظور بود سرنگندند ۲- میتوان گفت که در این دوره صنعت فلزکاری در هندوستان را دلاله صنایع غربی ایرانی است زیرا در این دوره صنایع هندوستان از رونق زیادی داشته است و این با اصلاح میدانیم در اینجا وارداتی است و در این دوره صنایع هندوستان ایران بوسیله سلسله صفوی مستتر و همین گوردید میدان عمل در هندوستان و در این دوره از حدود چهارمیلی ایرانی دور بود

صفوی نماینده روح ایرانی سوره است پی برد؛ بنا بر این میتوان گفت، در دو
این دوره بیشتر مواد اصول تزیینی و اشکالی که در آثار صنعتی فلزی بکار رفته
است عبارت از شاخه و فروع نباتی و تصاویر انسانی و حیوانی که روی بپرفته
نقشه های قالبی و تصاویر کتب خطی این دوره را بپا میآورد گذشته از این بکار
بردن حواشی در تزیینات کمتر شده و بدنه اشیاء ساخته شده با اشکال متصلی
مانند خال یا قلامدوزی و مناطق و نماهای کم حجمی که گاهی کتیبه و نام سازنده
را نیز داشته ست تزیین همیشه است.

یکی از امتیازات آثار نفیس فلزی دوره صفوی ظرافت شکل و خطوطی
است بزبان فارسی اعم از شعر و یا نصوص تاریخی و نام ائمه دوازده گانه که در
بیشتر آنها دیده میشود علاوه مس زرد رنگی که در آنها بکار رفته است دو خشانتر
مسهایی است که در آثار صنعتی ادوار سابق بکار رفته و برنگ طلائی نزدیکتر است
و ماس سرخ را برای شادمان یافتن بنقره «سرب و قلع سفید میکردند؛

بهت و عظمت صنعتی دوره صفوی، روی مقدار زیادی از ظروف که باطلا
و مسکهای گریه مرصع میشده است، مشهود و هنوز بعضی از این ظروف در
دوزه ماویقه پوسری ستانبول موجود است و احتمال میرود از غنائمی باشد که سلطان
سید عثمانی در جنگهایی که با شاه اسماعیل صفوی کرده است از ایران آورده باشد
و اگر این حدس صحیح باشد باید تاریخ ساخت آنها را قبل از سال ۹۲۰ ه
(۱۵۱۲ م) دانست.

در این دوره دره و جمیعها و صندوقهارا با تخته های فلزی که با کمال
دقت و ستادی، اشکار بسیار زیبا و جذاب ترین میشد آرایش میدادند (شکل
۱۶۳) (۱) و این تزیینات در همان شاخه های نباتی و انسانی تشکیل

که اخیراً بدست آمده و منسوب بقرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) است موجود است که از جمله آنها یعنی بخوردانها و قوطیهای کوچک و گلاباشهای کوچک و غیره است که از حیث تزیینات دقیق و زیبایی بانی و خطوط کوفی ممتاز میباشد (۱) (شکل ۱۴۲)

باری امتیازی که دوره صفوی از حیث آثار صنعتی فلزی دارد ظروف نقره‌ای و طلائی زیادی است که موجب پسند و شگفتی جهانگردانی شده که آنها را در کاخهای شاهی و درباریان دیده‌اند ولی نباید فراموش کرد که ارزش مادی این ظروف بیش از ارزش فنی آنهاست

اسلحه :

ایران از خیلی قدیم در صنعت اسلحه سازی از بزرگترین و مهتر مراکز فنی شرق دور و نزدیک بشمار رفته است و بدیهی است که در این فن نیز مانند سایر فنون از اسلوب و روش ملل مجاور اخذ کرده و روشهای فنی آنها در او مؤثر بوده است و شاید همان اندازه خود نیز در روشهای آنها مؤثر بوده است و همین تاثیرهای طرفین است که آن رابطه قوی بین نوع اسلحه ایران و اسلحه ای که سایرین در قفقاز و آسیای مرکزی و هند و ترکیه و عربستان و مصر و روسیه بکار برده‌اند ایجاد شده است

ولی آنچه در اسلحه سازی و قدیم ایران به ما رسیده است خیلی کم است و از دوره اسلامی تا قبل از قرن چهارم هجری (دهم میلادی) هیچ گونه اسلحه‌ای از ایران در دست نداریم اما از سده و بریکه تا شهر خرفان آسیای مرکزی بدست آمده اشکال بعضی از اسلحه را که در اوایل دوره اسلامی بکار میبردند شناخته‌ایم و کمابیش بطرح و ترکیب و طرز ساخت آنها بی رده‌یم (۲) علاوه برین در تصاویر بعضی از کتب خطی ایرانی در قرن هفتم و هشتم (سزدهم و چهاردهم) نیز اشکال اسلحه‌ای مشاهده میکنم که هیچ نمونه‌ای

(۱) A survey of persian Art ج ۳ ص ۴۵۰-۴۵۴

(۲) A. von Le Coq: Bildatlas zur 'Kunst, und Kulturgeschichte' Mittelasiens ص ۱۴

از آنها با ما رسیده است (۶) و بطور کلی میتوانیم بگوئیم از مدت مسوریین او اخر قرن اول و قرن هفتم هجری در باره اسلحه ایران تقریباً اطلاع قابل ذکری نداریم و همین قدر میدانیم که قسمت شمال شرقی ایران با اسلحه سازی معروف بوده و اسلحه خوب و ممتازی در آنجا بعمل میامده و مصادر تاریخی چنین میگویند امیر سمرقند در سال ۹۰۵ (۷۱۳ م) در ضمن جزیه‌ای که فرستاد مقداری اسلحه بوده است (۲)

و شاید قدیمترین اسلحه ایرانی يك زره آهنین باشد که در موزه Zeughaus برلین است و دیگری زره آسبی است که در موزه جنگی پاریس (۳) میباشد و هر دو راجع بقرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) میباشد و غیر از اینها قسمتی از زره آسبی است که در موزه مردم شناسی سویس است و راجع بقرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) است

قطعه‌های دیگری نیز از این اسلحه هست که در جم بقرن دهم میشود و فعلا در موزه‌های مشهور اسلحه عالم و مخصوصاً برلین و نورینو ضبط است

در دوره صفوی اسلحه‌ها زره با نقره نشان میکردند و با اشکال زیبائی زینت میدادند و گاهی در اسنگ‌های گرانبها و کجیاب آنها را تزیین میکردند و از این نوع اسلحه زرهی است راجع بدوره مغولی که فعلا در موزه طوقایو استانبول است و از دو سیر مستدیر یکی سینه و دیگری پشت را می پوشاند و بعضی قطعات دیگر که کردن و شکم آنها پوشیده میشود ترکیب یافته است (۴)

در آن دوره یک قسم زره‌هایی که معروف به «چهار پینه» بود ساخته میشد (۵) بن زره‌ها از چهار قطعه آهن که با حلقه متصل بهم میشد تشکیل میگرفت بن چهار قطعه یکی برای

۹۹۵ شماره بزرگترین دوره‌ترین مجموعه‌های اسلحه ایران همانست که سلطان سلیم اول در جنگ‌های خود با ایرانیها هنگامیکه در حال ۹۲۰ هـ ۱۵۱۶ م برآوردست یافت بعینت رده و با استانبول نقل نموده و هنریر ناسایر اسلحه‌ایکه این پینه‌ها در سایر نقاط خود داشت آورده است در موزه جنگی ترکیه در موزه طوقایو می‌باشد .

۲۴۱ A Survey of Persian Art ج ۴ ص ۳۳۸ Beck : Geschichte des Eisens ج ۱ ص ۲۶۱

(۲) A Survey of Persian Art ج ۶ کتاب ۱۴۰۵ و کتاب ۱۴۰۶ و کتاب ۱۴۰۷

(۳) کتاب ۱۴۰۶ - از مصدر - و E. Steingass ' persian English Dictionary ص ۲۰۴

پوشاندن سینه‌ویکی برای پشت و دو قطعه دیگر پهلو را می‌پوشاند و این دو قطعه دارای دوشکاف بوده که دستها را از میان آنها رد می‌کردند (۱).

این چهار قطعه آهن که زره را تشکیل میداد با بهترین ترتیب میشد و در آنها اشکال زیبایی که کنده‌کاری و زرتشان شده بود دیده میشد بعضی از آیات قرآنی که راجع به جنگ و فیروزی بود جزء آرایش آنها قرار میگرفت اما در هند استعمال این گونه زره‌ها خیلی معمول و متداول شده و تا نیمه قرن گذشته در آنجا راجع بوده است.

در ایران کلاه خودهای خوبی نیز ساخته میشد و قدیمترین آنها کلاه خودی است که در نزه‌بکی شهر بودا پست کشف شد و هنوز در موزه ملی مجارستان است این کلاه خود تزیینات زیبایی دارد و بیشتر آنها سابقهای نپالی و خطوط کوفی و تصاویر سیم‌رخ پرند معروف است که دودر برابر هم قرار گرفته‌اند (۲) و طرز و طراحی این تزیین خیلی شبیه به تزیینات مجموعه‌ای ۴۱۳ م از منسوجات ایرانی یاسوری است که راجع به قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) است (۳).

کلاه خودهای دیگری نیز هست که مهم‌ترین آنها در موزه جنگی استانبول و مسکو و برلین و در موزه ملی کینهاک است و بیشتر آنها راجع به قرن نهم و دهم هجری (دوازدهم شانزدهم میلادی) است.

در موزه دره Halte' de' porte در شهر بروکسل کلاه خود کرم‌روی است که دره پاتین آن مناظر شکار طلاشان و کتیبه‌ای دلالت بر نام سازنده [حاجی] و تاریخ ساختن آن (۱۱۱۲-۱۱۷۰ م) است دیده میشود و این نوع کلاه خود در ایران تا قرن گذشته استعمال میگردد بد (شکل ۶۰۶).

در قسمت سلامی زره‌های بران سیر آهنی است که راجع به نیمه دوم قرن نهم هجری

(۱) Ar survey of persian Art ج ۱، تابو ۱۴

(۲) مصدر سابق ج ۱، تابو ۱۹۹، ج ۴ ص ۱۵۲۴ تا ۲۵۶۲ و تکم ۸۵۴

(۳) O'von, Falke: kunstgeschichte der Seidenweberei, ۸۵۴

(باتزدهم میلادی) است و تزیینات آن عبارت می‌باشد از اشکال حلزونی و بزرگ‌گانهی هرجت که بر روی آن کنده کاری رقلمزنی شده است (۱) و در موزه تاریخ هنر فنون شهرتین سیر آهنی باتزیینات کنده کاری و نقره کوب و از طرز و اسلوب اشکال هندسی و سابقهای دقیق نباتات متصل (اراسک) که سطح آنرا می‌پوشاند می‌نماید که از آثار صنعتی قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) است

گاهی سیرها را از چوب بید یا اجیر می‌ساختند و نارشته‌های پشمی و یا ابریشمی و یا طلا آنها را می‌بستند (۲) و از بهترین اقسام این نوع سیرها نسیری است در موزه شاهلی اسلحه در شهر استکهلم و امتیاز این سیرها شکل حیوانی و بدنی زیبایی است که روی آن دیده میشود (۳)

مهمترین و در میان بن‌سیرهای کارایران نسیری است که در موزه کاخ اروزهاینایا Oruzelnaya در شهر مسکو است و دارای معادای سارده خود «محمد» و رجم بقرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) است

بیشتر شکل حیوانات مانند شیر و سرخرس و گاو و میمون و سگ و اوبه و حیوانات دیگر در تزیینات آن بکار رفته و طرف آن حلاکاری و دستگیری کردها مرصع شده است (۴) ایرانیان در شمیر ساری نیز معروف بوده اند و شمیرهای قلد از سلام ایران کوتاه و راست به خسته میشد و مدتهای زیادی بهمان شکل باقی بوده و تعبیر قلد توجهی بر آنها عارض شده است در قرون وسطی ایران در ساختن تیغه شمیر و فولاد و آهن مهمترین مراکز و احیای سلامی بوده و گفته رجری و بس و جهان گردان بهترین شاهدین امر است نسیری است که روج بن صنعت در ایران مورد شگفتی و تردید نیست و منظور از ذکر آن در اینجا جنبه فنی مهمی است که در آن نقره شان کردن نیفته

(۱) Survey of Persian Art ج ۶ ص ۱۴۴
 An illustrated souvenir of the exhibition ۱۹۵۸-۱۹۵۹ ص ۳
 Persian Art London 1950
 ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۲-۱۵۲۳-۱۵۲۴-۱۵۲۵-۱۵۲۶-۱۵۲۷-۱۵۲۸-۱۵۲۹-۱۵۳۰-۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۳-۱۵۳۴

بوده این هنر خصوصاً در قسمت شرقی ایران بهتر و دقیقتر بوده است و از بهترین شمشیرهای معروف ساخت ایران شمشیر مرصعی است که راجع باواخر قرن دهم هجری (شازدهم میلادی) است و اینک در موزه تاریخی شهر سدن می باشد شکی نیست که در ایران شمشیر سازان زیادی بوده‌اند ولی در قرن یازدهم هجری نام اسدالله اصفهانی در این صنعت معروف شده و شهرت بسزائی نصیب این هنرمند ایرانی گردیده است و بعضی آرنیفته‌های منسوب باو که بعضی از آنها برای شاه عباس ساخته شده بما رسیده است اما طولی نگشیده که در آن صنعت سستی و ضعف حاصل شده و در قرن دوازدهم هجری (هیجدهم میلادی) مردم از خوبی تیغه و دقت درصنعت صرف نظر کرده و به تزیین و ترصیع شمشیرها با سنگهای قیمتی روی آورده و در آن بعدی مبالغه کرده اند که منجر باسراف کاری شده است.

در خنجر سازی نیز میتوان همان مقام را که ایران در شمشیر سازی داشته است برای آن قائل شد و شاید قدیمترین خنجرهای معروف ساخت ایران خنجری باشد که در روسیه شرقی در شهر اوستر رود *Osterode* بدست آمده و تصور میرود بوسیله مغولها که در سال ۸۱۳ هـ (۱۴۱۰ م) بآن نواحی حمله برده اند بآن شهر رسیده باشد دستة این خنجر آهنین است و آثار تذهیب هنوز روی آن دیده میشود و دارای تزییناتی است که از شاخه‌های نباتی میباشد و از شکل و ساخت آن مینماید که از آثار صنعتی قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) است (۱)

در قرن نهم هجری ایران یکسوع خنجرهایی که ناحدی تیغه آنها کج است استعمال کرده اند ولی در دو قرن دهم و یازدهم هجری (شانزدهم و هفدهم میلادی) تیغه های شمشیر و خنجرهایی که معمول بود کاملاً کج و قوسی است (شکل ۱۵۹)

در موزه ارمیتاز خنجرهایی از آثار صنعتی ایران در قرن یازدهم هجری (هفدهم میلادی) هست که الحق بهترین شامه و گواه تزیینی است که در آن دوره

در اسلحه پربها استعمال میشده است و راستی هر کس باشکال این اسلحه که شبیه به شبکه [داتلا] است بنگرد و بدقت و زیبایی و تزیینات بدیعی که در آنها بکار رفته است دقت بکند بآن صنعتگر آن آفرین خواهد گفت.

خوشبختانه نام یکی از خنجر سازان ایرانی که موسوم به احمد بکلی (یا تکلی) است بر روی امضائی که روی یکی از خنجرها که در موزه طویقایو سرای استانبول است بما رسیده و پیش ما معروف است و از قرار تاریخچه که روی آن است و سال ۹۳۳ هـ (۱۵۲۸ م) را نشان میدهد مینماید که این شخص در قرن دهم میزیسته است، و این خنجر از اسلحه سلطان سلیمان اول پادشاه عثمانی (۹۲۷-۹۷۴ هـ برابر ۱۵۲۱-۱۵۶۶ م) بوده است.



در اینجا بی مورد نیست تذکر دهیم که در اواخر قرن یازدهم و در قرن دوازدهم هجری (هفدهم و هجدهم میلادی) صنعت فلزسازی در ایران سوی ضعف واضحی گزاشیده است زیرا در این دوره صنعتگران متوجه ساختن ظروف و اسباب بازی فلزی ارزان قیمت عامه نمند شده اند و کالای خود را برای اشخاص عادی تهیه کرده اند زیرا این طبقه قادر بر پرداخت بهای زیادی در برابر آثار نفیس که ساخت آنها مستوجب صرف وقت زیاد و کوشش فراوان است نبودند. نکته قابل تذکر این است که مدتهای زیادی طالبان آثار صنعتی و فنی در خاور و باختر در صدد جمع آوری آثار صنعتی فلزی اسلامی بوده و آن اهمیت را که به قالی و منسوجات و کتب خطی و بابلور و غیره می دادند آثار فلزی سدوس نمیکردند. همین جهت آنچه بدست آمده و مقدربگاه صنعتگران اسلام در دور مختلفه ساخته اند قابل قیاس است.

شیشه سازی و نجاری

فن شیشه سازی در ایران خیلی قدیم است و این صنعت از ادوار پیش در خاور نزدیک دایر بوده است و نویسندگان و مورخین یونان بآن اشاره کرده اند و از آنجمله ارستوفان Aristophane نویسنده قرن پنجم قبل از میلاد در یکی از بیس های خود اشاره با استعمال جامهای زرین و بلورین در دربار ایران مینماید ، اخیراً نیز بعضی ظروف شیشه ای نیمه شفاف مایل بسبز در کاوشهایی که در لرستان شده بدست آمده

و شاید قدیمترین ظروف بلورین که از آثار صنعتی ایران است ظرفی باشد که راجع بدوره ساسانی است و در آن تصویر پرنده ای خیالی کنده کاری شده است این ظرف را در ناحیه شمالی ایران کشف کرده اند و فعلاً در شهر تهران جزء یکی از مجموعه های شخصی است ،

با وجود این احتمال می رود مقدار زیادی از ظروف شیشه ای و بلوری را که ایرانیان قدیم استعمال میکردند از سوریه وارد نموده باشند و این احتمال از نوع ظرفی که در ویرانه های شهر شوش و مداین کشف شده است تایید میشود

اما راجع بدوره بعد از اسلام میتوان گفت قدیمترین انواع ظروف شیشه ای که در دست است راجع بدو قرن دوم و سوم هجری (هشتم و نهم میلادی) است و خیلی شبیه بظروفی است که در اثر کاش در ویرانه های شهر سامره بدست آمده است (۱)

یکی از انواع ظروف بلورین ایران در صدر اسلام ظرفی است که تزئینات آنها بوسیله خطوط و دوائر و اشکال هندسی مجرأ شده است و این تزئینات

چنانکه در يك طبق شکسته‌ای که تصور می‌رود از ویرانه های شهر ری بدست آمده، مرکب از تصاویر پرندگان و حیوانات بود اما طبق نامبرده فعلا در مجموعه ویلفرد بکلی Wilfred Duckley است و با تصویر پرنده‌ای خیالی تزیین شده است. (۱)

بهر حال باید اعتراف نمود که تمیز دادن میان آثار صنعتی شیشه گری قرون اولیه اسلامی و شناختن مراکز آنها یکی از کارهای خیلی مشکل است و چنانکه مشاهده میشود نمیتوانیم میان يك آفتابه بلورین از آثار دوره فاطمی (۲) و آفتابه دیگری از همان نوع که در ایران بدست آمده (۳) و فعلا در مجموعه ویلفرد بکلی سابق الذکر است (۴) تفاوت زیادی قائل شویم.

از جمله آثار صنعتی شیشه گری و بلورسازی ایران قدح آبی فیروزه ای رنگیست که در گنجینه کاندرائی سان مارکو در شهر ونیز است و روی آن کلمه «خراسان» حفر شده است و بریناتش عبارت از اشکال خرگوشهائی است که در زمینه آن حفر شده و گمان قوی می‌رود که این اثر نفیس از صنایع قرن سوم هجری (بهم میلادی) ایران یا عراق باشد (۵)

در شهر ری نیز نمونه های دیگری از این ظروف بدست آمده است که راجع بدو قرن چهارم و پنجم هجری میشود.

از این تاریخ بعد صنعت بلور سازی در ایران رونق گرفته و اشکال و انواع ظروف و سایر اشیاء از آن ساخته شده است و صنعتگران ایرانی موفق شده اند بکموع شیشه رنگی را عمل آورده و آرابجی بدور معدنی که در دوره فاطمی، در مصر معمول بود بکار برند و در قریب است بن ظروف نیز صنعتگران برسی و

(۱) A. Survey of Persian Art ج ۶ تابلو ۱۴۴۰ - (۲) کتاب دکتر الدطیب ص ۱۸۷

(۳) A. Survey of Persian Art ج ۶ تابلو ۱۴۴۱ - (۴) -

(۵) Durlington Magazine - W. Buchler, Two glass Vessels From Persia ص ۱۰ - ۱۹

C. J. Lamm, Mittelalterliche Gläser und Schnitarbeiten ص ۲۹-۲۸

و ج ۴ تابلو ۲۸

و اقسام طرق فنی را بکار برده گاه با فشار و قالب و گاه با قلمزنی و حفر روی ظرف و گاه با انواع دیگری صنعت خود را زینت داده اند علاوه بر این آثار کوچکی از شیشه بشکل حیوانات می ساختند و از جمله آنها مجسمه ماهی کوچکی است از شیشه که بر اثر کشجکاوئی هائیکه شده در ویرانه های شهر ری بدست آمده است : اما اشکالی که عموماً در این ظروف بکار میرفته عبارت بوده است از رسوم هندسی و شاخه های نباتی و بعضی کتیبه ها و اشکال حیوانات (۱) و گاهی هم تصاویر انسانی در آنها بکار میرفته است. و از قرار نمونه هائی که در شیراز و همدان و نیشابور و سمرقند و ری و ساوه بدست آمده است ایرانیان روکش کردن شیشه را با مینا میدانسته و بکار برده اند (شکل ۱۶۸)

از کمیابی آثار صنعتی شیشه و بطور که راجع بقرهای هفتم تا نهم هجری (سیزدهم تا چهاردهم میلادی) است چنین بر میآید که حمله مغول رونق صنعت شیشه سازی را در ایران از میان برده است اما معروف است یکی از شعراء درباری تیمور در اوایل قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) می نویسد که این شهریار بزرگ نخبه ای از بهترین و ماهر ترین استادان شیشه ساز را در سمرقند گرد آورد و بر اثر این اقدام بواسطه آنها صنعت شیشه سازی از نو رواج و رونقی یافت.

در میان این صنعتگران که تیمور گرد آورد از مردم سوریه نیز بوده اند و از آثار صنعتی که میتوان از صنایع سوریه های عظیم سمرقند دانست پشقاب شیشه ایست در موزه بریتانیا (شکل ۱۶۹) که علی شکل و مملو از میناست و با شکل انسان و بافرشته بالنداری که تنگی از می که بشکل صنایع ایران است در دست دارد مزین شده است.

در قرن دهم و یازدهم هجری (شانزدهم و هفدهم میلادی) در ایران ساختن

C.J.Lamm : Glass, from, Iran, in, the, National, museum, stockholm (۱)

A, Survey, of, Persian, Art ج ۶ ، تابار ۱۴۴۲ پ (۲)

ابریقها و تنگهای گردن کشیده شراب خیلی معمول شده است (اشکال ۹۸ و ۱۷۰ و ۱۷۱) و بقراویکه بعضی از جهانگردان که در آنوقت بایران رفته اند میگویند و شاردان Chardin و هربرت Herbert و ناوریه Tavernier از جمله آنهاستند مهمترین مراکز صنعت شیشه سازی ایران در آن دوره شهر شیراز بوده است و شیشه های ساخت این شهر بیشتر و بلکه عموماً سفید یا سبز و با آبی رنگ بوده و در آن تزئینات کننده کاری شده دیده میشود.

بالاخره بطور عموم میتوان گفت که صنعت شیشه گری و بلور سازی در ایران مانند سایر صنایع و فنون مورد توجه قرار نگرفته و احتمال می رود بیشتر نمونه هایی که در کاوشهای شهر های قدیم ایران بدست آمده است از خارج آمده و کار خود ایران نباشد ولی در باره محصول صنعتی شیشه سازی در قرن دهم و یازدهم (۱۶-۱۷ م) میتوان گفت بطور محقق کار خود بران است و تا حدی ماسلوب و روشهای فنی که بعضی از صنعتگران از شهر ویزا آورده بودند متأثر شده است ولی با این وصف دارای یک روح قوی ایرانی است که از خواص و ممیرات صنعتی ایران شمار می رود ما بهرحال از جنبه فنی دارای اهمیت زیادی نیست و از آن حیث سایر فنون ایرانی نمیرسد.

صنعت بجاری بنز و صنایعی است که ایران از قدیم آن معروف شده و بر پی در ساختن آثار زیبا و بریدن بعضی اشیاء و آلات از چوب مشهور گردیده و شهرهای ری و قم در بن صنعت شهرت زیادی دارند و در ساختن شیشه ظروف چوبی معروف شده و دومی ساختن صنایعهای زیبا از چوبی مخصوصی که در جنگلهای هازندرای بدست می آید مشهور گردیده است (۱).

قدیمترین صنعتی بجاری بران که در آثار بدست دست در صنایع چوبی و سه قسمه خوانه کاری است که در سفر Anquetin در حبه برکتی سری شاف موده

است (۱) و احتمال قوی میرود که راجع بقرن سوم هجری (نهم میلادی) باشد، اما تزئینات این آثار خیلی شبیه بکچ بریهای ساده و تزئینات دوره طولونی و اوائل دوره فاطمی در مصر و کچ بریهای مسجد بایین است (۲) و اما اشکال آنها عبارت از گل و پته است که در سطح چوب حفر شده است.

يك قسمت درهای چوبی نیز که راجع بقرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) میشود در مقبره سلطان محمود غزنوی بود که فعلاً در هندوستان در قلعه اگرا میباشد این درها منبت کاری است و از این حیث خیلی شبیه است به آثار چوبی که در ترکستان غری کشف شده است (۳)

سطح خارجی آنها نیز منبت کاری است و با اشکال ستاره ای چوبی که فوق العاده زیبا و با دقت ساخته شده مزین میباشد (۴) حقیقتاً این اشکال و تزئینات بهترین دلیل بر مهارت و استادی هنرمندان آن روز است و دقت و استادی آنها از این آثار متجلی است و ثابت مینماید که در تنوع اشکال و ظاهر نمودن با برجسته کردن مواد تزئینی تاجه حدی موفقیت داشته اند و این تنوع بحدی است که سطح را متعدد جلوه گر میسازد و چنان نمایش میدهد که سطوح متعددی از خلان همدیگر نمایانست و باروی همدیگر متحرک است، و اگر چنین شاهکار صنعتی را درهای مقبره سلطان محمود داشته باشد جای شکفتی نیست زیرا شهر عزبه در قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) یکی از مراکز مهم فرهنگی ایران بوده است و فنون و صنایع در آن شهر رونق خوبی داشته و پیشرفت مهمی نموده و طرز فنی مخصوصی در آنجا بوجود آمده که از حیث تکامل و موضوع تزئینات خیلی قابل

(۱) B,Denike ; Quelques monuments, de bois, sculpte au Turkestan, Occidentale
 (۲) کتاب « الفن الاسلامی فی مصر » تألیف Ars Islam de Egypte (سال ۱۹۲۵) ص ۶۹ - ۸۵
 (۳) کتاب رتی محمد حسن ص ۲۴-۲۱ و ۶۸-۷۸ و ۹۱-۹۹
 (۴) کتابهای ۱۲ و ۱۳ و Etinghausen : Agyptische Holzschneiderien, aus, Islamis
 Berliner, Museen (سال ۱۹۲۲) ص ۱۹ - شکل ۱۵

۴ A. survey, of, persian Art ۶ ۱۴۶۲

۴ G. Migeon Manuel d'art, musulman ج ۴ ص ۴۹۲ شکل ۱۱۴

هجری (یازدهم میلادی) میشود و اساس تزیینات آن مناطق مستدیر متصلی است که از دوائر متحدالمركزی که در آنها بکفص خطوط کوفی که موسوم به مزهر است نوشته شده و در بزرگترین مناطق آن که در وسط واقع است گل و بنه هائی ترتیب داده شده و در فواصل مناطق نامبرده مربعات کوچکی است که بابرگچه های نباتی مزین گردیده ، روی هر قفه در تزیینات این تحفه ها همان رسوم و اشکال و روشهای تزیینی که در آثار صنایع فلزی دیده ایم مشاهده میشود .

در موزه متروپولیتان قطعه چوب دیگری است از این نوع که تاریخ سال ۵۴۶ هـ (۱۱۵۱ م) را دارد و در کتیبه ای که در یک شکل طاقمانی که بطاقهای کار ایران شبیه است بخط کوفی نوشته شده نام امیر علاءالدوله گرشاسب خوانده میشود ، و این امیر علاءالدین از طرف سلاجقه حکومت شهر یزد را داشته است (۱) دیگر از آثار نفیس چوبی دوره سلجوقی قطعات متعددی است که بیشتر آنها ساخت شهر قونیه است و از همه بهتر و مهمتر منبر علاءالدین است که در شهر نامبرده است و تزیینات آن بیشتر عبارت از اشکال کننده کاری شده و مشبکی است که بیشتر آنها اشکال هندسی بشکل طبقهای ستاره ای شکل است که در دوره ملوکها در مصر معمول بوده است (۲) این منبر کتیبه ای دارد که از آن معلوم میشود حاجی اخلاطی در سال ۵۵۰ هـ (۱۱۵۵ م) آنرا ساخته است (۳) در موزه استانبول نیز در ی چوبین از این نوع هست که بادوئیری دارای طبقهای ستاره ای شکل و رسوم و اشکال نباتی تزیین شده و روی دائره وزیر آن تصویر دوشیر و دو پرنده دیده میشود

(۱) Wiet ; Inscriptions, Coufique, de, Perse در مجله ۶۸ از انتشارات انجمن فرانسوی

Mè'moires, de l'Insti tut, Français, t, LXVII

Wiet; L'Exposition و Mélanges, Maspere, vol, 110 Persane, de, 1931 ص ۴۸-۴۹

(۲) Migeon; Manuel, d'art, musulman ج ۹ ص ۳۳۰ شکل ۱۲۹ و - Kleink- Sarre: Seldschukische

۴۸-۴۷ و تالو

Re'pertoire, chronologique, d'epigraphie arabe ج ۸ ص ۲۸۹ شماره ۳۴۰۰

و از قرار معلوم این در از آثار صنعتی قرن هشتم هجری (سیزدهم میلادی) است (۱)
 در این موزه آثار صنعتی دیگری نیز هست ولی همه راجع به آسیای صغیر است (۲)
 ایرانیان در قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) رسوم و عناصر هندسی
 را در تزئین صنایع چوبی بکار برده اند و از نمونه های این تزئینات اشکال هندسی است
 که در سقف مدخل بزرگ مسجد جامع شیراز مشاهده میشود (۳) به علاوه در این صنعت
 اشکال نباتی و گل و تنه را نیز بکار زده اند و آثار این تزئینات بر روی برخی از
 منبرهای ساخته شده قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) [۴] و بعضی درها و
 رحلهای قرآنی مشاهده است و از جمله این رحلهها رحلی است از چوب که مشبك و
 منبت است و دارای تاریخ ۷۶۱ هجری (۱۳۶۰ م) و نام سازنده خود حسن بن
 سلیمان اصفهانی را دارد (۴) و فعلا در موزه متروپولیتان شهر نیویورک است
 (شکل ۱۷۳)

غیر از اینها آثار صنعتی چوبی دیگری هست که از حیث تزئینات و بکار بردن
 اشکال و رسوم نباتی و هندسی صنعتگران مهارت زیادی در آنها به خرج داده اند و زاین جمله
 است درهای مسجد احمد یسوی در ترکستان که دارای تاریخ و یک قرن هجری
 (۱۲۹۷-۱۲۹۹ م) است و نام سازنده را که عزادین است بزرگ دارد (۵)

(۱) F. Kuran, Die Sammlung, Türkischer und Islamischer, Kunst in Tschinili, Kusck

ص ۱۷ تا ۱۹

(۲) ص ۱۷۱۴ از مصدر سابق الذكر

(۳) استاد برونشتاین Leo, Bronstain در ج ۴ صفحه ۴۶۱۷ از مصدر سابق الذكر میگوید

میان این مدار که راجع قرن هشتم است منبری هست که در مسجد جامع (کیوانت) ح ۶، ط ۶۶۴ است
 از همان مصدر، ولی ما در این رای با او «وافق نیستیم زیرا تصور میروند که در مسجد جامع راجع
 قرن پنجم یا ششم هجری (۱۱-۱۴ میلادی) باشد زیرا طرز و سبک تزئین آن خیلی شبیه آثار سده
 و سبک طولونی و حج برهه های مسجد جامع نایین است

(۴) Bulletin of the Metropolitan Museum of Art, XXII (1951)

ص ۱۱۲-۱۱۳ و Metropolitan Museum of Art, Bulletin of the Metropolitan Museum of Art, XXII (1951)

Museum of Art, Bulletin of the Metropolitan Museum of Art, XXII (1951)

ص ۱۰۳-۱۰۲ و Metropolitan Museum of Art, Bulletin of the Metropolitan Museum of Art, XXII (1951)

از آثار این قرن هم **چوبی (پانزدهم میلادی)** فن کهنه کاری در روی
سایح چوبی روش گرفته و بهترین نمونه این نوع آثار در **نگه باوسوم** آمده
کاری رنگه برنگه از **چوب** گردو ساخته شده و در مسجد شاه زنده شهر سمرقند است (۱)
در کور امیر نیز هو در موجود است که باین ترتیب زینت شده و فلادر موزه
هرمیترژ Hermitage (۲) است (شکل ۱۷۵) علاوه بر این نمونه ها بعضی از در
های مساجد و مدارس نیز موجود است که راجع به این دوره و بهمان سبک است، بهر حال
سنتگران موفق شده اند در آثار صنعتی نجاری بهترین اشکال نباتی و هندسی را
بایترین خطوط توفی و سنج و ثلث در تزین بکار برده و آنها را جزء وسایل زینت قرار دهند
ناحیه مازندران بواسطه جنگلهای وسیع و چوبهای زیبای قیمتی خود در آنوقت
معروف و مشهور شده و در آنجا آثار بسیار عالی و زیبایی بدست آمده که بیشتر
عبارت از در و منادیق قبور است که تاریخ و نام سازنده را دارا میباشند (۳)
و باید دانست که خطوط زیبا در تزین این نوع آثار جایز مقام و منزلت مهمی
بوده است

از جمله آثار صنعتی نجاری قرن دهم (شانزدهم میلادی) **بک لنگه** دری
است در شهر خوقند از توابع فرغانه **صکه** فلادر موزه مترو پولیتان است
(۴) و اشکال تزینی آن عبارت از **ابسک** و فروع نباتی است که بوسیله کهنه کاری
گود افتاده و دو حاشیه از فروع نباتی آنها را فرا گرفته که از آنها کم عمق تر هستند
و از جمله آثاریکه بهمین قرن منسوب است و تاریخ سال ۹۱۵ هـ (۱۵۰۹ م)
را دارد دو **لنگه** در چوبی است که نام صنعتگر (علی بن صوفی باسانی) روی آن
نوشته شده و در موزه باستانشناسی شهر تهران است. (شکل ۱۷۶) ولی از این
نمونه و سایر نمونه هائیکه منسوب بقرن دهم و یازدهم هجری میشود بر میآید که

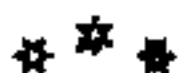
(۱) Migeon: Manuel d'art, musulman ج ۱ ص ۳۳۵ و شکل ۱۷۴

(۲) Asurvey of the Hermitage ج ۱ ص ۱۶۸ و ۱۶۷

(۳) H.L. Rabino, Mazarand, Astrad و از مصدر سابق الذکر. ص ۳۳۳

(۴) Dimand: Handbook of Mohammedan Decorative Art ص ۹۳ شکل ۴۴

در آن روز ها که رنگ آمیزیهای ظریف درقالی و فرشی و نقاشی و خرف رایج و معمول شده و باوج عظمت رسیدماست و دیگر صنعت کننده کلری روی چوب روی بانسلاط و پستی نهاده است



غیر از صنایع و فنون که در این کتاب شرحی از آنها بیان شد ایرانیان در فنون دیگری نیز دست داشته و در آنها معروف شده‌اند و چون این کتاب گنجایش شرح و بسط در اطراف آنها را ندارد باید با مختصر اشارهای اکتفا نمائیم . از آن جمله زینت آلات و سنگهای گرانبها در هیئت اجتماعی ایران و مخصوصاً در دربار و عیالی طبقه عالی و اشرافی مقاص عالی داشته است بنابراین خیلی مورد بوده اگر در صنعت زرگری و جواهر سازی استادان ماهری در شهرهای زنجانب و اصفهان و تبریز و سلطانیه و سایر شهرهای صنعتی ایران بوجود آیند ، و البته اینها سواى هنرمندان و صنعتگرانی بودند که در ساختن ظروف طلا و نقره و مرصع نمودن آنها با جواهر و یاترین آنها بامینا تخصص یافته اند ؛ و این گونه ظروف که بیشتر اختصاص بدربار و رجال بزرگ داشت در جشنهای بزرگ و مجالس رسمی و مهم کاری رفت ، و از جمله این ظروف دوری طلائی است در مجموعه آثار نفیس کازرولی بك در قاهره و از اشکال کل و بته و پرندگان مینا کاری که روی آنست چنین بر میآید که تا حدی سبك و روش صنعتی اروپا در آن مؤثر بوده است (شکل ۱۶۷) و از کتابی که روی آن ظرف است معلوم میشود از طرف فتحعلیشاه به سرژور اوسلی Sir Gure Guseley خاور شناس و سیاستمدار انگلیسی در سال ۱۲۷۸ هـ (۱۸۱۴) هدیه شده است ، در وسط این ظرف شکل شیری است که زیر آن نوشته شده « رقم محمد جعفر » .

وقتی وارد کاخهای ایران شویم مشاهده خواهیم نمود که هنوز هم آن کاخها از آثار نفیس صنعتی که راجع سه قرن گذشته است و ارجحیت بر دیگر صنایع و صنایع صریح

و دقیق خود ممتاز است بهره زیادی ندارد ، ولی بدیهی است این آثار از لحاظ فنی و صنعتی آن ارزشی را که صنایع دوره های سابق داشت ندارد زیرا تأثیر فنون اروپائی در این صنایع از روش و سبک ایرانی آنها کاسته و آن تزیینات که نماینده روح ایرانی است کمتر در آنها تجلی میکند و فقط اهمیت آنها از لحاظ قیمت تجارتنی و ابهت منظره ظاهر است .

در اینجا بيمورد نیست که اشاره ای بتخت شاه اسماعیل صفوی و تخت طاووس شود ، که اولی در استانبول است و در ظریف کاری و زیبایی یکی از شاهکارهای صنعتی است و دومی در کاخ گلستان شهر تهران است و فوق العاده ظریف و زیبا است و بیشتر دانشمندان معتقدند که از آثار صنعتی قرن دوازدهم (هیجدهم میلادی) است و از مواد و مصالح همان تختی شده است که نادر شاه در اثناء جنگهای هندوستان بدست آورده است .

عناصر تزئینی گاه ایرانیان در صنایع دوره اسلامی بکار برده‌اند

شکی نیست که سبکهای فنی ایران که در دوره اسلامی بوجود آمده و رونق گرفته است قبل از هر چیز زیبا و ظریف و (لوکس) است و از این حیث شبیه کلیه سبکهای فنی و صنعتی اسلامی است؛ و در واقع در مجرد ساختن موضوعهای تزئینی و در ساختن آنها از اصل و شکل طبیعی نیز شباهت کلی بفنون و صنایع اسلامی دارد؛ (یعنی جمع و ربط بین موضوعات و توزیع آنها بطوریکه پیچیدگی و مهارت و تجدد و استکار بدون آنکه در خود موضوعات تأثیر کند و آنها را از ذوق دور کند و یا بتوافق و تناسب و انسجام و ائتلاف آنها زینتی برساند؛ در آنها تجلی میکند)

عموماً موضوعهای تزئینی ایران را در دوره اسلامی میتوان به پنج قسمت نمود: اشکال نباتی، تصاویر آدمی، تصاویر حیوانی، خطوط و کتاتهای، اشکال هندسی.

اشکال نباتی:

هنرمندان ایران این اشکال نباتی را خوب فر گرفته اند و موفقیت شایانی در آنها داشته اند به همین جهت دست و قلب آنها در کشیدن این اشکال سبک سایر موضوعات تزئینی اسلامی روان تر و مسلط تر بوده و توانسته اند آنها را خیلی شبیه تر از سایر موضوعات باصل صیغی خود بکشند؛ و هنرمندان ترکیهای عثمانی این طرز و رآنها قیاس و تقلید کرده و در کشیدن گل و تپه همان مهارت و تسلط را دارا شده اند؛ برای اینکه نمریت زهرمندی ایران ثابت شود کافی است در اشکال نباتی و گلها و درختهایی که در مکتب هنر در تصاویر یا بر روی حرف و منسوجات

ویارچه های گرابهائی که در قرن دهم و یازدهم هجری (شانزدهم و هفدهم میلادی) و درکاتی و خنوفه و نسوجلته همان احوار آسیای سنیر دقتی نمائیم تا بزیمائی و ظرافت عنصر نباتی در تزیینات ایران می بریم .

در حقیقت اشکال نباتی که در تزیین ستابع بکار میرفت از قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) بسوی تکامل رفته و نمونه صادق از نباتات طبیعی و حقیقی شده و هنرمندان ایران در این میدان بمنتهی درجه موفقیت رسیده اند و شاید بر اثر تأثیر فنون و روشهای چینی بود که بوسیله مغولها بایران آمده و یا بواسطه سلسله های سلاطینی بود که پس از آنها در ایران حکومت کرده اند .

مهمترین انواع اشکال نباتات که ایرانیان در تزیین ستابع خود بکار برده اند گلهای ریز و بادزنهای نخلی (پالمیت) و کل لوتس و بته ها و درخت انار و برگهای سایر درختان بوده است ، و بدیهی است که این اشکال نباتی نیز مانند سایر روشهای اسلامی بر دست هنرمندان تغییراتی کرده و از صورت شباهت با اصل خارج شده و ترتیب و تهذیب (Stylisation) بر آنها عارض شده است ، اما شکی نیست با اینهمه تغییرات رابطه آنها در روشهای ایرانی با اصل خیلی قویتر از سایر روشهای اسلامی بوده است ، و ایرانیان بیشتر در صدد تقلید طبیعت و نمایاندن نمونه حقیقی آن برآمده اند ، در اینجا میتوان گفت بهترین و عالی ترین و کاملترین نمونه های اشکال نباتی و هندسی دوره اول اسلامی تزییناتی است که در کجری مسجد نائین مشاهده میشود (شکل ۲۰۱)

اما دوره غزنوی بظریف کاری در تزیینات نباتی که از شاخه و ساقه های مستد تشکیل میشد امتیاز خاصی داشته و با توازن و تناسب بسیار دقیقی که نمونه کاملی از اندام و قدرت نمائی در کشیدن اشکال « ارابسک » است آنها را نمایش داده است .
رو به رفته میتوان گفت ایرانیان موفقیت بزرگی در بکار بردن اشکال نباتی و گلهای و جمع بین آنها و بین سایر موضوعات تزیینی خصوصاً در تصاویر و روی خرف

وقتی و فرش داشته اند ، اما در دوره سلجوقی هنر خندان و صنعتگران فلز کار هر
سایع خود توانسته اند توافقی بین اشکال نباتی و هندسی حاصل نمایند بکار برند ، و از
مهمترین نباتاتی که در این دوره بکار رفته است برگه و گیاه « کاکس » میباشد ،
علاوه بر این همین اشکال نباتی در فنون ایرانی بیشتر اوقات به منزله زمینه ای بکار
رفته که بر روی آن موضوعات تزئینی دیگری از قبیل تصاویر آدمی و حیوانی کشیده
شده است ، در قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) اشکال شاخه های نباتی بیشتر
اوقات با برگهای کوچک و گل نیز تزئین میشده است و با این ترتیب و ترکیب نمایش
و زیبایی آنها افزوده میگردد .

خلاصه با آنکه ایرانیان برتری و اهمیت سایر مواد تزئینی را دانسته اند باز
در هنرهای خود از عنصر نباتی صرف نظر نکرده و آنرا بکار برده و در استعمال آن
منتهی درجه موفقیت را داشته اند ، در حقیقت میتوان مدعی شد که طرز پرورش و
روش فنی قدیم در کشورهایانی که فنون و هنرهای اسلامی در آنها بوجود آمده و سیر
تکاملی خود را پیموده است در تصور مواد و موضوعات تزئینی فنون اسلامی تأثیر
زیادی داشته است مثلاً مشاهده میشود روشهای فنی و سبکهای صنعتی که در شاه و
مصر و شمال آفریقا و اندلس بوجود آمده کفح عظمت خود را بر پدیده های اسلوب و
روشهای فنی چینی و رومی نهاده و به همین جهت موضوعات نباتی و هندسی و تزئین
آنها عمومیت یافته است و ماروشهای فنی اسلامی که در عراق و ایران بوجود آمده
اساس و پایه آنها امالیب فنی قدیمی این دو کشور بوده است و به همین علت تصاویر
انسانی و حیوانی در تزئین آنها غلبه داشته است

تصاویر آدمی :

معیط و عادات در ایران از ادوار تاریخی قدیم با هنرمند و صنعتگر ایرانی
معمول بوده است ، و همواره در نگاره های خود ، شناسائی جسم انسان
دقت در رنگات آن و کشیدن تصویر و ، محاسبه اش حرار و موفقیتی داشتند زیرا هم

که گفته شد ایران روشهای فنی و صنعتی را که از قدیم در عراق و موصل و دیاربکر معمول بود بارت برد، وقوام و اساس تصاویر انسانی در آن روشهای فن عبارت از تجرید جسم انسانی و دادن جنبه تقدس بار و او را رمز و وسیله ایضاح و تفسیر و دلالت بر جلالت قدر پادشاه و عظمت خداوندی قرار دادن بوده است.

همانطور که ملاحظه کردیم ایرانیان بیشتر از سایر ملل اسلامی تصاویر انسانی را در صنایع خود موضوع تزئینی قرار داده اند ولی با وجود این دیده میشود که این تصاویر صفاتی دارد که خاص خود آنهاست مثلاً نقاش ایرانی از کشیدن آنها منظوری جز توضیح مطلبی ندارد و بهمین علت غالباً این تصاویر عبارت از شکل قلمی مجردی بوده است، البته این امر را نباید تنها حمل بر کراهت یا حرمت نقاشی در اسلام دانست زیرا ایرانیان چندین اهمیتی باین حرمت و کراهت نداده اند. و تصاویر انسانی را در کتابها و آثار صنعتی خود زیاد کشیده اند. بنابراین باید علت را چیز دیگر دانست و گفت که اینها نظر سایر ملل رابه

جسم انسانی نداشتند بهمین جهت طرز و روش مللی را که فنون و روشهای فنی کلاسیک را از یونان خود بارت برد و جسم انسان را مقصود و مطلوب بالذات دانسته و آنرا آنطور که هست کشیده و قوانین نقاشی را محترم شمرده اند اتخاذ نکرده اند. بعبارت دیگری میشود گفت که ذوق و استعداد فطری ایرانیان قابلیت اتخاذ آنرا را نداشته و اسلام نیز درخور خود ندانسته است که آنها را در اتخاذ آن تشویق کند. گذشته از این مشاهده میشود که اواخر دوره کلاسیکی یکنوع پستی و انحطاط را در تصاویر انسانی و مجسمه سازی بخود دیده است اما این انحطاط مانع نشده است که فنون چینی تا اوایل دوره مسیحی تصاویر انسانی را موضوع تزئینی قرار دهد، و این امر در مرق کاری (موزائیک) و در گچ بریهای برجسته و در زینت آلات کاملاً مشهود است. در قرن دوم و سوم بعد از میلاد نیز در سراسر حوزه دریای سفید سبک حجاری تغییر کرد و مردم از ساختن مجسمه های

منفصل مستقل منصرف شده بهجاریهائی که بیشتر جنبه تزیینی و ظریف کاری داشت روی آورده اند، بنابراین مناظر موجودات جاندار در موضوعات تزیینی کننده کاری سوریه کم شده و اما فتون بیزانتهی نتوانسته است آن امتیاز را که قانون یونانی در تقلید از طبیعت داشته است دارا نمود. و تصاویر را طبق واقع جلوه دهد، و از آنوقت هنرمندان در آن نواحی شروع به کشیدن اشکال تزیینی خیالی کرده و آنها را بر سایر موضوعات تزیینی ترجیح داده اند.

همین جهت است که مشاهده میشود اسلام در انتخاب موضوعات به تزیینات خود ارقانون نظور قده فراتر نرفته و در همان راهی که بیزانته پیرو قدم نهاده است منتهی اینکه اسلام این سبک تزیین را بخود اختصاص داده و همین جهت شاخه و فروع به تزیینی متصل منسوب در شده و به (سبک) معروف گردیده است (۱) بهرحال بیشتر تصاویر انسانی که در تزیینات فنی یونانی تکرار شده است جنبه ای از حیات در بزمی را نشان میدهد، مثلاً گاه تصویر میر با سلطان دیده میشود که بر تخت نشسته و عده ای در بر او و حوس و عده ای در قبیل او دیده و نوازنده و پهلوانان دور او گرفته اند و خود جامی در دست دارد و بی بی و شهبان است و به همان معبر به خاصگان خود در شکار و به در میدان جهش و به چوکان بازی و غیره کشیده اند و در واقع مرفقه اینهم بیشتر موضوعی است که در تزیینی و تکرار مرفقه و مادرجای خود از آن به بحث کرده.

اشکال حیوانی:

آسیا از ادوار تاریخی قدیم از حیث بکار بردن اشکال حیوانات در تزیین صنایع بر سایر قطعات سیقت داشته است حتی فنون بیزانسی قسمت مهمی از اشکال حیوانی را که بکار برده از آنور و ایران گرفته است. و البته ایران سزاوار بود که سر منق بیزانت شود زیرا فنون ایرانی در ادوار قدیم و ادوار اسلامی موضوعات تزیینی زیادی از اشکال حیوانی در اختیار داشته است.

شاید بیشتر پرندگان و حیواناتی را که ایرانیان در موضوعهای تزیینی بکار برده اند شیر و پلنگ و آهو و خرگوش و طاووس و مرغابی و اسب و پرندگانی باشد که از منقارشان شاخه ای آویزان میشود، و یا همانطور که در فنون ساسانی معمول بود شتر و فیل بوده (۱).

گذشته از اینها حیوانات افسانه ای و خیالی و یا ترکیبی متعددی مانند اژدها نیز که با موضوعات فسی دیگری از فنون درویشهای چینی با ایران آمده است در این تزیینات بکار برده شده است.

طبعاً جاداشت که ایرانیان این حیوانات افسانه و خیالی را که در ترکیب و دور بردن از حقیقت و طبیعت بانوق و قریحه فنون اسلامی موافق بود با آغوش باز استقبال کنند، و بنا بر همین توافق ایرانیان خیلی از اشکال آن حیوانات خرافی را از خاور دور (چین) اخذ کردند و چون دور بودن آنها از اشکال طبیعی توافق کاملی با ایده آل های فنون اسلامی داشت ایرانیان بدون آنکه در اصل و منشأ این اشکال و موارد استعمال آنها و اینکه اشاره بچه موضوع و منظوری میکنند اخذ و استعمال کردند، و خوشبختانه فنون ایرانی کاملاً موفق شده است که باین اشکال اولاً لباس ایرانی و اسلامی ظاهری ببوشاند و ثانیاً در وضع و ترتیب آنها بطور متتابع

(۱) سگال سر و دل و آهو در آثار فسی ساسانی استعمال میشد ولی حقه موضعی داس و ری موضوعات ریسی بکار میرفت.

و با هم برابر هم و با در حالیکه قوی بر ضعیف حمله میکند و ترتیب های دیگری که از امتیارات ایران در کشیدن اشکال حیوانات بود فوق و قریب و استادی بی مانندی از خود بروز داده است ، علاوه بر این در هفت هجری (سیزدهم میلادی) کشیدن این الهول و بکار بردن آن در تزیینات خیلی معمول و مرسوم شد. است ، در ادوار اولیه اسلامی اشکال و رسوم حیوانات مخصوصاً از حیث نمودن مفصل خیلی شبیه با اشکال دوره ساسانی بود ، در مراعات قرینه و نظیر و توارق و کشیدن حیوانات و پرندگان رو بروی هم و بالعقب هم و با کشیدن نشان در پی هم نیز شباهت کلی بآن دوره داشته است و غالباً مانند دوره ساسانی در یک خط تزیینی رسم میشده است (۱)

خلاصه آنکه ایرانیان در اشکال حیوانات فقط در دوره های سلاطین که فنون و صنایع در آنها پیشرفت کرده و بسوی تکامل سپر نموده و در ادواریکه روندهای هنر چین و فنون ایرانی تاثیر کرده و ایران در استعمال اشکال حیوانی و بانی را آن کشور اقتباساتی نموده است کاملاً از روی دقت از طبیعت تقلید نموده و اشکالی که مورد نظر بوده است با اصول آنها مطابق کشیده است .

بالاخره میتوان گفت عموماً اشکال تزیینی انسانی و حیوانی در روندهای هنری ایران بعد از اسلام حلقاتی بوده که سلسله یازنجیر متصلی را تشکیل میدده است مثلاً تصویر یک انسان یا حیوانی مقصود بالذات بود ، بلکه فقط برای تزیین کار می رفته است ، باین معنی که ایرانی یک حیوان یا انسانی را به بری نمیدانند آن می کشیدند و در صنایع خود میاورده است بلکه مقصود از کشیدن آن صور زینت دادن

(۱) ایرانیان در اشکال حیوانی که در ریخت های خود بکار رده به زرشکی تزیینی شبیه سیت ها Scythes که در قدیم در شمال فلان بر روی دیوار و سبک روس - کس بود اقتباساتی کرده اند ولی بی زوجه حتی سوی و غیر مصوغ بوده .
M. Rostovtzeff "The Animal Style, in South Russia, and, China

که در پرنسوتون Princeton در سال ۱۹۲۹ چاپ شده است و در جلد دوم

صنعت خود بوده است و بهمین جهت غالباً این تصاویر در دوائر و یا خطها و یا اشکال هندسی دیگری بصورت منفرد و یارو بر و و یا پشت بهم قرار داده میشود ، با این تفصیل باز عموماً خارج از دو مبدا اساسی که در فنون اسلامی معمول است نبوده است ، اول دوست نداشتن هنرمند اسلامی، جای خالی را در اثر صنعتی خود و سعی کردن در پوشاندن تمام سطح و مساحت اثر صنعتی بموضوعات تزئینی ، دوم تکرار صور و تزئینات برای تأمین مبدأ اول .

در حقیقت اگر آثار مختلف صنایع اسلامی اعم از ایرانی و غیر ایرانی از قبیل قالی و منسوجات و خرف و نجاری و باصنایع فلزی و جلد کتاب و گچ بری را ملاحظه کنیم غالباً در روی آنها موضوعات تزئینی کونا گونی مشاهده خواهیم کرد که از عناصری بوجود آمده که با کمال توافق و توازن و از روی دقت و استادی در یک سطحی قرار داده شده و بزرگترین امتیاز آنها برجسته نبودن و رنگ آمیزی جذاب شرقی است که با تناسب و اسجایم بکار رفته و قوه تخیل در ایجاد آنها فوق العاده دخیل بوده و در خطها با مناطق منظم متعدد و متنوعی تکرار شده است

تزئین با کتابت :

زبان عربی در قرون وسطی میان ملل اسلامی همان مقامی را دارا شده بود که زبان لاتینی میان ملل مسیحی داشت ، و عربها موفق شدند که زبان و لغت خود را بر همه لك مفتوحه مانند مصر تحمیل کنند ، ولی در ایران نتوانستند کاملاً زبان ایران باستان را از میان نوده هلت براندارند ، و فقط ایرانیای در این دوره لغت و زبان فارسی را با حروف عربی نوشته اند ، و طولی نکشید که همان کتابت بحرف را مانند - یرمه مالک اسلامی یکی از موضوعات تزئینی قرار داده اند و معروف بنست که حروف لقبای عربی طبعاً با اغراض تزئینی کمال تناسب را دارد (۱)

.....

و همچنین ممکن است که آنها را با اشکال زیبایی

.....

واقعا هم نقوش خطی و کتابتی یکی از مهمترین موضوعات تربیتی فنون اسلامی بشمار میرود، آری خط عربی با مواسلام و توسعه نفوذ آن در عالم نشر یافت و در عدت خیلی کمی از جنبه تربیتی و زیبایی مقامی حائز شد که نظیر آن را هیچ خطی در تاریخ تمدن انسانیت حائز شده است و خطوط عربی آمهادر ساختمانها و آثار فنی برای ثبت نام مالک آن اثر نفیس و زیبائی آن ساختمان و برای ثبت تاریخ بابتك بعضی آیات قرآنی و دعیه بکار برفته است بلکه صنعتگران ایرانی مانند صنعتگران سایر ممالک اسلامی آثار منظور اینکه يك موضوع تربیتی است مورد استفاده قرار داده و در شاهد و قبور و روی خرف و کاشی و صنایع فنی نیز بکار برده است و میتوان گفت که بطور کلی هنر مندان و صنعتگران ایرانی خطوط دایره در هندسه و مثلث و غیره که خصطان ایجاد کرده اند نیز مانند خط کوفی برای موضوعات تربیتی بکار برده اند و در وقت استعمال خط و کتابت مخصوصاً در کشورهای خاور میانی خطی بهتر و زیباتر و متقن تر از کشورهای ختري اسلامی وده است و همیشه کافي است که مشاهده میشود و عالی تصدیق میکنند که از همه زیباتر خصوصاً است که منسوب به ایران و دیار بکر است.

مخصوصاً در میان درین زمینه گوییم که در گذشته در وقت که در این خط و سایر خطوط که استادی داشته اند و بهترین و زیباترین شکلی داشته اند و وضع تربیتی بسیار زیبایی آنها داده اند و البته جای تعجب نیست که در تمام دنیا که کتابت و خط نویسی را در این زمانه خیلی عالی و زیاده است و علاوه برین انواع زیادی از خطوط فنی و خطی در آن زمانه است (۱) و در قسمتی از این خط و در بعضی از این خط در بعضی از این خط

اما ایرانیان پیش از قرن چهارم هجری (دهم میلادی) نسبت بکار بردن کتابت در موضوعات تریبونی کوچکی نگزیده اند، و موضوعهای تریبونی که او کتابت و خطوط تشکیل یافته در اوج باین قرن است خیلی کمیاب میباشد و عموماً خط کوفی است زیرا در آن دوره این خط بسیار و روش تریبونی آن دوره موافق بود و مخصوصاً در تریبونی مسوولت و صنایع چوبی و فلزی این توافق و تناسب بیشتر بود، و این تریبونات که بخط کوفی بود در هیئت و از حیث دقت و زیبایی و درشتی حروف و حسن توزیع آنها باهم اختلاف داشت، و البته این امر بسته بمهارت و تصرف صنعتگران و هنرمندان بود و شاید بهترین نمونه این نوع خطوط کتیبه ای باشد که بر قبر پیر علمدار است و واقع سال ۴۹۸ هـ (۱۱۰۲۷ م) است بطور کلی خط کوفی تا قرن پیش در ایران برای موضوعات تریبونی بکار میرفته و با آنکه از قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) خطوط هاتره دار ممنون شده است باز خط کوفی از رونق نیفتاده و هنرمندان و خطاطان نیز در تریبون و تکمیل و زیبایی آن کوشیده و نتوانسته اند آنرا ملایم و موافق برای این غرض و مقصود نمایند و زیبایی و شیوایی بی نظیری بآن داده اند.

ولی بیشتر تریبونات خطوط کوفی ایرانی امتیاز خاصی نداشته و فرق زیادی میان آنها با تریبونات کوفی سایر کشورهای اسلامی در آن دیده نمیشده است فقط زمینه ایله ایرانیان برای تریبون آن با خط کوفی تهیه میکردند خیلی شکل تر و مزین تر از زمینه هائی بود که در سایر کشورهای اسلامی برای این منظور تهیه میشده است و بهترین شاهد این گفتار پارچه هائی است که واقع بقرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) است و فعلاً در مجموعه مستر مور ضبط است (شکل ۱۲۲) و دیگر کتابت کچی است که در مسجد جامع قزوین است و جنبه تریبونی دارد و باز واقع باوایل قرن دوازدهم میلادی (۵۰۷-۵۰۹ هـ) میشود بعضی اوقات ایرانیان آجرها را با

بقیه حاشیه ص ۲۹۳- که هفتاد نوع خط مینویسد (به راحة الصدور راوندی چاپی محمد اقبال